

تتميم ظاهري

بِقَبْلِ اللَّهِ

ظَاهِرِي تَمِيمِي

شمیہ ظہور

دکتر علی ہراتیان



نشرِ جدید



نشر حاذق

شمیه ظهور

مؤلف: دکتر علی هراتیان

ناشر: نشر حاذق

نوبت چاپ: اول

چاپ: کوثر

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۶

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

تعداد صفحات: ۸۰ صفحه رقعی

مرکز نشر و پخش: قم - خیابان ارم مؤسسه فرهنگی نشر حاذق

☎ ۰۲۵۱ - ۷۷۴۲۵۴۲ ☎ ۰۲۵۱ - ۷۷۴۲۵۴۴ | ۰۹۱۲۱۵۱۸۰۷۶

☎ ۰۹۱۲۲۵۱۸۷۷۵ | ۰۹۱۲۲۵۳۵۲۷۵

Email : hazegh@ketabegom.com

مرکز پخش تهران: ☎ ۰۲۲۲۳۳۵۲۶ - ۳۳۱۰۶۶۶۵ | ۰۹۱۲۶۲۳۸۲۲۵

شابک: ۸ - ۱۴ - ۵۹۷۰ - ۹۶۴ ISBN : 964 - 5970 - 14 - 8

«هرگونه بهره برداری از این کتاب به منظور ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام بلامانع است»

«لطفاً این کتاب را پس از مطالعه در اختیار دیگران هم قرار دهید»

۵۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به :

گل لیل

شبه رسول خدا ﷺ

حیدر صحرای کربلا

عموی حضرت بقیة الله ﷺ

مولانا حضرت علی اکبر ﷺ

طلیعه

هزار و یک صد و شصت و هشت سال، از شروع غیبت حضرت ولی عصر ارواحنا فداء می‌گذرد.

چه بسیار منتظران دلسوخته‌ای که حسرت به دل ماندند و آرزوی ظهور مولا را با خویشتن به زیر خاک بردند و چه بسیارند آنان که هم اکنون و بی صبرانه، پایان شب سیاه غیبت و ظهور خورشید امامت را به انتظار نشسته‌اند. درست است که پیشوایان معصوم علیهم‌السلام از تعیین وقت برای ظهور نهی کرده‌اند؛ اما از سوی دیگر همواره روح امید و انتظار را در میان شیعیان و پیروان خویش زنده نگه داشته و در سخنان گهر بار خویش، نشانه‌های ظهور را برای آگاهی آن‌ها بیان نموده و به آنان راجع به لزوم شناخت این نشانه‌ها تأکید فرموده‌اند. قرائن و شواهد بسیاری وجود دارد که ما را به نزدیک بودن زمان ظهور امیدوار می‌سازد. در این نوشتار کوتاه به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

از خداوند - تبارک و تعالی - عاجزانه می‌خواهیم که باقی مانده‌ی غیبت آن عزیز غایب از نظر را به لطف و مرحمت خویش و به آبروی

اول مظلوم عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر ما بیخشد؛ باقیمانده‌ی عمر ما را در زمان ظهور آن حضرت قرار دهد؛ توفیق زیارت جمال دلربای یوسف زهرای اطهر علیها السلام را با ظهورش به ما عطا کند؛ ما را از جمله بهترین یاوران و اصحاب آن حضرت در زمان غیبت و ظهور مقرر فرماید و هر چه زودتر جهان ظلمانی را با انوار تابناک آن حضرت روشن و نورانی فرماید.

به امید برقراری دولت عدل جهانی به رهبری حضرت مهدی علیه السلام
هر چه زودتر انشاءالله

دکتر علی هراتیان

۳۰ ذی القعدة ۱۴۲۷

فصل اوّل

ظہور آفاقہ، ظہور انفسی

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ﴾ (۱)

«سوگند به شب هنگامی که فراگیر شود و سوگند به روز هنگامی که جلوه گر

سازد.»

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال شد که منظور از «شب فراگیرنده» در این آیه چیست؟ حضرت پاسخ فرمودند:

«دولت‌های باطل که در برابر ولایت کبرای مولای متقیان

(حضرت) علی علیه السلام عرصه‌ی گیتی را جولان‌گاه خود قرار داده‌اند و

خورشید امامت با بی صبری، انتظار آن را می‌کشد که دولتشان

سرآید... منظور از روز جلوه گر، روز ظهور قائم ما اهل بیت علیهم السلام

است که به هنگام طلوع دولتش، دولت‌های باطل از صفحه‌ی هستی

ریشه کن می‌شوند.» (۲)

۱- سوره اللیل: ۱ - ۲.

۲- تفسیر قمی ۲: ۴۲۵.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید: از ایشان پرسیدم ظهور حضرت مهدی علیه السلام چه موقعی خواهد بود؟
 ... فقلت و انی یكون ذلك؟ فقال عند فقد امامكم فلا تزالون كذلك حتى یطلع علیکم كما تطلع الشمس^(۱)

حضرت امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمودند:

«هنگامی که امام خود را از دست دادید همواره این چنین (سرگردان) خواهید بود تا ایشان بر شما طلوع کند همان گونه که خورشید طلوع کند.»

از تشبیه وجود مقدس امام عصر علیه السلام به خورشید^(۲) و تشبیه دوران غیبت به شب سیاه و نیز دوران ظهور به روز روشن و همچنین روایاتی که ظهور حضرت را به طلوع خورشید تشبیه کرده اند؛ برخی منتظران و اندیشمندان حوزه ی مهدویت، برداشت لطیفی ارائه داده اند که همان بحث ظهور صغری و ظهور کبری است.^(۳)
 اگر کیفیت غروب و طلوع خورشید را از نظر بگذرانیم، در

۱- غیبت نعمانی: ۱۵۱.

۲- در روایات، ادعیه و زیارات به کرات از وجود ائمه ی معصومین علیهم السلام به شمس یعنی خورشید تعبیر شده است؛ چنان که در دعای ندبه می خوانیم «این الشمس الطالعه» و احادیث متعدّد با مضامین یکسان از چندین معصوم نقل شده است که امام عصر علیه السلام را در عصر غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه کرده اند.

۳- البته این واژه ها، غلط مصطلح است که به تبعیت از «غیبت صغری» و «غیبت کبری» وضع شده اند، حال آن که ظهور، مذکر مجازی است و باید «ظهور اصغر» و «ظهور اکبر» گفته شود.

خواهیم یافت که خورشید به هنگام غروب به یک باره جهان را تاریک نمی‌کند؛ بلکه ابتدا قرص خورشید از دیدگاه نهان می‌شود، سپس هوا به تدریج تاریک و تاریک‌تر می‌شود و در نهایت ظلمت شب بر همه جا دامن می‌گستراند. به هنگام طلوع نیز به یک باره جهان روشن نمی‌شود، ابتدا در سحرگاهان، فجر کاذب سر می‌زند؛ در گوشه‌ای از افق یک سپیدی نمایان می‌شود، کم کم هوا روشن می‌شود به طوری که از فجر صادق تا طلوع آفتاب حدود یک ساعت طول می‌کشد. در این تئوری، غیبت امام را به منزله‌ی غروب خورشید و ظهور آن بزرگوار را به مانند طلوع خورشید قلمداد می‌کنند.

همه می‌دانند که غیبت امام عصر علیه السلام طی دو مرحله صورت گرفت. این گونه نبود که به یک باره وجود مقدس آن حضرت از میان مردم غایب شوند. حتی ائمه‌ی قبل از امام زمان علیه السلام با عامه‌ی مردم و اصحاب خویش کم‌تر در تماس بودند تا زمینه را برای غیبت آماده کنند. در دوران غیبت صغری، ارتباط شیعیان با آن حضرت از طریق وکلای خاص برقرار بود. با شروع غیبت کبری، باب ارتباط با امام از طریق وکلای خاص نیز بسته شد و جهان در شب ظلمانی غیبت فرو رفت.

به همین ترتیب برای ظهور امام نیز (همانند طلوع خورشید) ظهور صغری و ظهور کبری در نظر گرفته می‌شود؛ به نحوی که در ظهور صغری، توجه مردم به امام زمان علیه السلام فزونی می‌یابد و سخن راجع به امام علیه السلام و ظهور آن حضرت و نیز دعا برای تعجیل فرج اوج می‌گیرد و جهان آماده و تشنه‌ی ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می‌گردد. پس می‌توان نتیجه گرفت که ما هم اینک در بین الطلوعین

ظهور به سر می‌بریم. و می‌توانیم امیدوار باشیم که هر چه زودتر انشاءالله نشانه‌های ظهور یکی پس از دیگری زنجیره‌وار به وقوع بپیوندد و یا آنکه با بیداری همگان و تقاضای یک پارچه‌ی فرج از درگاه خداوند متعال بدون هیچ مقدمه‌ای به طور ناگهانی امر ظهور انجام پذیرد.

برخی نیز همین حقیقت را با تعبیری لطیف‌تر، بیان نموده‌اند و مراحل ظهور امام عصر علیه السلام را به ترتیب به دو مرحله‌ی «ظهور انفسی» و «ظهور آفاقی» تقسیم کرده‌اند. در مرحله‌ی ظهور انفسی، امام در جان‌های مؤمنین ظهور پیدا می‌کند. مؤمنین به یاد حضرت می‌افتند، غربت، مظلومیت و طول کشیدن دوران غیبتش را مورد توجه قرار می‌دهند، در صدد یاری حضرت و زمینه سازی ظهور مبارکش بر می‌آیند، توسل به آن جناب زیاد می‌شود، مجالس دعا برای فرج برپا می‌گردد، نام حضرت مهدی علیه السلام بر سر زبان‌ها می‌افتد، همه جا از امام عصر علیه السلام سخن گفته می‌شود... مشکلات جامعه‌ی انسانی آن قدر پیچیده و پردامنه می‌شود که حل آن توسط بشر عادی ناممکن جلوه می‌کند.

از مظاهر بارز این «ظهور انفسی» در کشور ما می‌توان به رونق مسجد جمکران در سال‌های اخیر اشاره کرد. هم‌اکنون شاهد آن هستیم که هر هفته، صدها هزار نفر از عاشقان امام عصر علیه السلام از راه‌های دور و نزدیک برای عرض ارادت به آستان مولای خویش و نماز گزاردن در این مسجد به این مکان شریف، مشرف می‌شوند و روز به روز نیز بر تعدادشان افزوده می‌شود؛ در حالی که تا چهل سال پیش، همین مسجد با فضایی بسیار محدود و فاقد هر گونه امکانات

رفاهی، حتی در شب‌هایی هم چون شب نیمه‌ی شعبان فقط پذیرای تعداد انگشت شماری از خواص و منتظران راستین امام زمان علیه السلام بوده است و در سال گذشته ^(۱) که شب نیمه‌ی شعبان با ایام بازگشایی مدارس و بحث شیوع بیماری وبا در استان قم مصادف شده بود ظرف دو روز شاهد حضور صد و پنجاه هزار اتومبیل و عزیمت میلیون‌ها زائر به این مسجد بودیم. به نظر می‌رسد این «ظهور انفسی» از ده‌ها سال پیش آغاز شده و می‌توان امیدوار بود با گسترش نام و یاد حضرت و ترویج فرهنگ انتظار و به ویژه دعای شیعیان انشاءالله هر چه زودتر شاهد «ظهور آفاقی» آن حضرت و طلوع خورشید جمال آن بزرگوار باشیم.

بیان دیگری نیز در خصوص مراحل ظهور حضرت ذکر شده است. در این باره نویسنده‌ی محترم کتاب «سپیده دم ظهور» در جلد دوم کتاب خویش می‌نویسد:

بر اساس تئوری ظهور، ظهور امام عصر علیه السلام در سه مرحله واقع می‌شود:

مرحله‌ی اول: ظهور نام.

مرحله‌ی دوم: ظهور شخصی (غیر رسمی).

مرحله‌ی سوم: ظهور رسمی یا قیام حضرت مهدی علیه السلام.

وی در تشریح مراحل فوق می‌نویسد:

اولین مرحله از ظهور کامل حضرت ولی عصر علیه السلام پس از غیبت

طولانی - که بنا به برخی روایات حتی نام ایشان نیز می‌میرد و هیچ کس

۱- نیمه شعبان ۱۴۲۶ هجری قمری.

توجهی به ایشان ندارد - مرحله‌ی ظهور نام و گسترش توجه به آن حضرت می‌باشد. به همین دلیل است که در برخی روایات، ظهور ایشان را از مشرق دانسته‌اند هر چند ما می‌دانیم ظهور آن حضرت از مکه بوده و مشرق زمین عامل پیدایش و گسترش نام ایشان است. مرحله‌ی دوم شامل ظهور ابتدایی حضرت ولی عصر علیه السلام و استقرار در مدینه و سپس حرکت ایشان به سوی مکه و حوادث بعدی تا ظهور رسمی می‌باشد.

مرحله‌ی سوم، ظهور رسمی از مکه و خلع سلاح شدن مردم در برابر آن حضرت می‌باشد... (۱)

صرف نظر از مباحث فوق، آنچه مسلم و غیر قابل انکار می‌باشد، رخداد حوادثی در جامعه‌ی ما و در سطح جهان است که امید به نزدیک بودن زمان ظهور را نوید می‌دهد. بیداری و اقبال روزافزون مردم به مسئله‌ی ظهور، احداث مهدیه در اکثر شهرها و برگزاری جلسات دعای ندبه، همگانی شدن بحث دعا برای تعجیل فرج، تنوع کتاب‌هایی که حاوی بشارت ظهور است با عناوینی همچون سپیده دم ظهور، مژده‌ی ظهور، کلید ظهور و... که پیش از این سابقه نداشته است، ساخت و پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی، تولید انواع و اقسام برنامه‌هایی رایانه‌ای، تأسیس پژوهشکده‌های مهدویت که به طور اختصاصی مباحث و معارف مهدوی را دنبال می‌کنند، تشکیل نشست‌ها و گفتمان‌های مهدویت، وجود میلیون‌ها سایت اینترنتی با موضوع منجی آخرالزمان، رواج مباحث آخرالزمانی و

۱- سپیده دم ظهور: ۲.

آینده گرایی در جوامع غربی همه و همه حاکی که از آن است که ما انشاء الله در قرب ظهور قرار داریم و ما باید خود را برای حضوری مؤثر در این عرصه آماده کنیم. توبه، کسب تقوا، دوری از گناه، تقویت معرفت و محبت نسبت به امام و ملکه شدن حالت تسلیم در برابر آن حضرت، ما را آماده تر می سازد و دعا برای تعجیل فرج، آن هم از صمیم قلب و با سوز سینه در خلوت و آشکارا و به طور فردی و دسته جمعی در جلو افتادن این امر و به تأخیر نیفتادن آن اثر قطعی دارد.

می دانیم یکی از مهم ترین علت های طولانی شدن غیبت، اندک بودن محبان واقعی و کم شمار بودن منتظران حقیقی آن حضرت است چرا که خداوند - تبارک و تعالی - فیاض است و اگر تقاضایی در میان باشد، در عرضهی فیض به بندگان بخل نخواهد ورزید؛ زیرا بخل در حریم خداوندی روا نیست. اصولاً می توان گفت یکی از دلایل عمده ی شروع غیبت نیز آن بوده است که حضرت مهدی علیه السلام - هم چون پدران بزرگوار خویش - اصحابی با وفا و یاورانی جان بر کف نداشته اند و همین علت نیز باعث طولانی شدن دوران غیبت کبری شده است و اگر شمار عاشقان حضرت و طالبان ظهورش - آنها که حاضر باشند سر و جان فدای امام و مولای خویش کنند - به مرتبه ای برسند که مقتضای اراده ی خداوندی است دوران غیبت و انتظار به سر آمده و دولت کریمه ی مهدوی در عالم برقرار خواهد شد.

پاره ای از اعمال جهت خوشنودی خاطر مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا فداء که انشاء الله در تسریع امر ظهور مبارک آن حضرت نیز مؤثر خواهد بود:

۱ - هر روز و از همان دقایق اولیّه ی صبح، روز خود را با عرض

سلام و ادب به آن حضرت آغاز کنیم. با عباراتی همچون «السَّلام علیک یا صاحب الزَّمان»، «السَّلام علیک یا أبا صالح»، «السَّلام علیک یا صاحب العصر» و «صلَّی الله علیک یا أبا صالح» به آن حضرت عرض سلام و ارادت نماییم.

۲- انجام واجبات، ترک محرّمات و انتظار فرج اساس برنامه‌های معنوی ما در زندگی باشد. به ویژه و حتّی المقدور نمازهای واجب روزانه را در اوّل وقت به جای آورده و ثواب آن را برای تعجیل فرج اهدا نماییم.

۳- در صورت امکان و در هر زمان از شبانه روز که برایمان مقدور است نماز مخصوص امام زمان علیه السلام را به نیت تعجیل در فرج آن حضرت و رفع همّ و غم و غصّه‌های آن مولای بهتر از جانمان به جای آوریم. نماز امام زمان علیه السلام دو رکعت همانند نماز صبح است با این کیفیت که در هر رکعت، سوره‌ی حمد را خوانده و وقتی به آیه‌ی شریفه‌ی «ایّاک نعبد و ایّاک نستعین» رسیدیم این آیه را صد مرتبه تکرار می‌کنیم؛ سپس سوره‌ی حمد را به پایان رسانده و سوره‌ی توحید (قل هو الله احد...) را یک مرتبه می‌خوانیم. ذکر رکوع و سجوع را نیز باید هفت مرتبه تکرار کنیم. رکعت دوّم را نیز همانند رکعت اوّل به جای آورده و پس از پایان نماز، ۱۰۰ مرتبه ذکر شریف صلوات را با «و عجل فرجهم» بر زبان جاری می‌کنیم.

۴- هر روزه و در هر فرصتی به ویژه هنگام حضور قلب و شکستگی دل، برای سلامتی و تعجیل در فرج آن حضرت دعا کنیم حدّاقل روزی صد بار ذکر شریف «اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد و عجل فرجهم» را برای این منظور و به پیشگاه حضرتش تقدیم کنیم؛

زیرا آن حضرت، خود شیعیان را به زیاد دعا کردن برای تعجیل در فرج سفارش کرده و فرموده‌اند: «برای تعجیل در فرج و ظهور من بسیار دعا کنید که همانا فرج من، فرج و گشایش خود شماست.»^(۱)

۵ - روزانه با تلاوت حدّ اقل یک سوره از قرآن کریم و اهدای ثواب آن به ارواح مؤمنین و مؤمنات (به ویژه بد وارثین و بی وارثین از محبّان امیرالمؤمنین علیه السلام) موجبات خوشنودی خاطر شریف امام عصر علیه السلام را فراهم آوریم. (مخصوصاً سوره‌های یس، نبأ، عصر، واقعه، ملک، حشر و...)

۶ - به نیابت از وجود مقدّس امام عصر علیه السلام و مادر بزرگوارشان حضرت نرجس علیها السلام به زیارت خانه‌ی خدا، مدینه‌ی منوره، کربلای معلی، نجف اشرف، مشهد مقدّس، حرم حضرت معصومه علیها السلام و سایر اماکن متبرّکه مشرف شویم دیگران را هم با کمک‌های مادی و معنوی خود بر این امر یاری و تشویق کنیم. در کنار ضریح مطهر حضرات معصومین علیهم السلام به ویژه زیر گنبد مطهر سیدالشهدا علیه السلام که اجابت دعا تضمین شده است برای تعجیل فرج بسیار دعا کنیم.

۷ - پس از نوشیدن آب به نیابت حضرت ولیّ عصر علیه السلام به جدّ مظلوم و غریب حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام درود و سلام و بر قاتلان آن حضرت لعن و نفرین نثار کنیم.

۸ - همواره از طرف امام زمان علیه السلام برای مادر مکرّمشان حضرت زهرا علیها السلام و نیز حضرت نرجس خاتون علیها السلام صلوات و اعمال خیر انجام داده و اهدا نماییم. به نیت سلامتی آن مولای عزیز، هر روز صدقه

دهیم و به منظور رضایت و جلب خوشنودی آن حضرت، از فقرای شیعه، بیماران، نیازمندان، ناتوانان فامیل، همسایگان و آشنایان دست‌گیری کنیم.

۹ - مطابق فرمایش صریح آن حضرت در توفیق شریف به شیخ مفید رحمته الله یکی از علل طولانی شدن غیبت و محرومیت شیعه از حضور در محضر امام خویش گناهان شیعیان است. با دوری از گناهان کبیره و صغیره به خصوص غیبت، تهمت، دروغ، خیانت، نگاه به نامحرم، اسراف، غش در معامله و بقیه‌ی محرّمات، موجب رضایت خاطر آن حضرت و خوشنودی حق - تعالی - را فراهم آوریم.

۱۰ - با توجه به تأکید حضرتش در یکی از تشریفات، مبنی بر مداومت در خواندن زیارت عاشورا، زیارت جامعه‌ی کبیره و نوافل یومیّه با به جای آوردن این اعمال خود را به امام نزدیک‌تر کنیم.

۱۱ - به دعاها و زیارت‌هایی که خواندن آنها معرفت، محبت و انتظار فرج آن بزرگوار را در وجود ما تقویت می‌کند توجه و اهتمام بیشتری به خرج دهیم. (همانند دعای ندبه، دعای عهد، زیارت آل یس، صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی، دعای دوران غیبت در روز جمعه، دعای «اللهم عرفنی نفسک» در سحرگاه روز جمعه و...) با خواندن این دعاها و به جای آوردن نماز استغاثه به امام عصر علیه السلام معرفت، مودت و بصیرت روز افزون نسبت به صاحب مقام ولایت یعنی حضرت صاحب الامر علیه السلام را از خداوند مسئلت نماییم.

۱۲ - برای گسترش فرهنگ انتظار و بالا بردن معرفت خود و دیگران، بخشی از اوقات روزانه‌ی خویش را به مطالعه‌ی چند صفحه از کتاب‌های مفیدی که راجع به آن حضرت نوشته شده است

اختصاص دهیم. خواندن کتاب مکیال المکارم که به امر و دستور حضرت مهدی علیه السلام نوشته شده و نام آن را خود حضرت انتخاب کرده است برای هر شیعه ضروری است و او را به وظایف خویش در قبال امام زمانش آگاه می‌سازد. محبت و ارادت خویش به آن حضرت را با برپایی مجالس به یاد حضرتش و به نیت تعجیل در فرج (در اعیاد و وقیات اهل بیت علیهم السلام) عملاً اثبات نماییم و از بذل مال و جان و نفس و قدم و قلم و همه‌ی هستی خویش در این راه دریغ نوزیم.

۱۳- با تبراً و بیزاری جستن از غاصبان حقّ خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله،

قاتلان حضرت زهرا علیها السلام و نیز قاتلان حضرت سید الشهداء علیه السلام و تمامی دشمنان آل عبا و دشمنان حضرت بقیة الله علیه السلام موجبات رضایت و خوشنودی قلب مبارک آن حضرت را فراهم کنیم.

۱۴- همواره باید در صدد ادای دین و انجام وظیفه‌ی خود نسبت

به تمام کسانی که بر گردن ما حقّی دارند برآییم. پر واضح است بیشترین حق را بر گردن ما وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام دارند که پدر حقیقی همه‌ی اهل عالم می‌باشند. در وهله‌ی بعد، پدر و مادر صلبی که حقّ حیات بر ما دارند و سپس «ذوی الارحام» و «ذوی الحقوقین» اعم از اجداد پدری و مادری، همسایگان، دوستان و موالیان امیرالمؤمنین علیه السلام. با انجام اعمال خیر به نیابت از آنها رضایت خاطر شریف مولا حضرت صاحب الزّمان علیه السلام را فراهم کنیم.

فصل دوّم

«تسلیم»

کلید نجات

با ظهور امام عصر علیه السلام چه تغییر و تحولاتی در جهان روی خواهد داد؟ ویژگی‌های حکومت جهانی آن حضرت چیست؟ وضعیت اقتصاد، آموزش، فرهنگ، حقوق بین الملل، روابط انسانی، معیشت، صنعت، کشاورزی، اقلیت‌های مذهبی، آب، هوا، زمین، زمان و... با چه تغییراتی مواجه خواهد شد؟ دولت مهدوی چند سال ادامه خواهد یافت؟ طول عمر آن حضرت پس از ظهور چه قدر خواهد بود؟ و...

پاسخ به سؤالاتی از این قبیل اگرچه با اتکا به اخبار و روایات ممکن و مقدور است و در جای خود با اهمیت و در خور توجه است؛ ولی عدم اطلاع از پاسخ برخی از آنها خللی به دین و ضرری به اعتقاد و آخرت انسان وارد نمی‌کند.

اما در میان مباحث مرتبط با ظهور حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه موضوعاتی وجود دارد که غفلت از پرداختن به آنها و عدم درک صحیح آنها ممکن است منجر به خروج از دایره‌ی دیانت و خسران دنیا و آخرت و هلاکت انسان در کوران حوادث پیش از ظهور

و هنگام ظهور گردد؛ زیرا با مرور روایات، درمی یابیم که فتنه ها و آزمایش های عصر ظهور نیز سخت و پیچیده خواهد بود و این خود هشدار است برای همگان که پیوند معنوی و ارتباط قلبی خویش را با امام عصر علیه السلام مستحکم ساخته، با توسل به ائمه ی اطهار علیهم السلام به ویژه ساحت مقدس قطب عالم امکان، ثبات قدم، یقین کامل، معرفت، بصیرت و ملکه ی فرقان برای شناخت حق و باطل را از این بزرگواران طلب کنند تا مبادا خدای ناکرده درگیر و دار رویدادهای پیش از ظهور و دوران ظهور، اسیر فتنه ها و فتنه گران شده یا به وادی شک و حیرت بیفتند و در صف مخالفین حضرت مهدی علیه السلام قرار بگیرند.

یکی از این موضوعات بنیادین که در روایات مرتبط با ظهور به آن پرداخته شده و مورد سؤال و شبهه قرار گرفته و اندیشمندان حوزه ی دین و پژوهشگران عرصه ی مهدویت را به تعمق و پاسخگویی واداشته است روایات متعددی است که سخن از «اسلام جدید»، «امر جدید»، «کتاب جدید»، «قضاء جدید» و از این قبیل می کند که حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور عرضه خواهند کرد و نمی توان به سادگی از کنار آنها گذشت. کتاب های روایی ما آکنده از روایاتی است که راه و روش و نحوه ی برخورد امام عصر علیه السلام پس از ظهور را بیان کرده اند.

محمد بن عجلان از مولایمان امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

إذا قام القائم دعا الناس إلى الإسلام الجديد و
هداهم إلى امر قد دثر و ضل عنه الجمهور و انما سمى
القائم مهدياً لانه يهدى إلى امر مزلول عنه و سمى القائم

لقيامه بالحق. (۱)

«هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند مردم را به اسلام نو و تازه فرا خواند و آنها را به امری که کهنه گشته و مردمان از آن گمراه شده‌اند هدایت می‌کند و همانا قائم علیه السلام مهدی نامیده شده است زیرا مردم را به امری راهنمایی می‌کند که ایشان از آن دچار خطا شده‌اند و به بیراهه رفته‌اند و آن حضرت قائم نامیده شده است زیرا قیام به حق خواهد کرد.»

در زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام که در مفاتیح الجنان آمده است خطاب به آن حضرت چنین می‌گوئیم:

السلام على الحق الجديد.

«درود و سلام بر حق جدید.»

عبدالله بن عطا می‌گوید: از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند به کدام روش در میان مردم به پیش می‌رود؟ آن حضرت فرمودند:

... فقال يهدم ما قبله كما صنع رسول الله و يستأنف

الاسلام جديداً. (۲)

«آنچه را قبل از او رایج بوده است از میان می‌برد چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین کرد و اسلام را به صورت جدید عرضه می‌کند.»

ابو خدیجه نیز از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است:

۱. الارشاد، ۴۴؛ اثبات الهداة، ۳، ۵۵۵، ح ۵۹۴؛ اعلام الوری، ۴۶۱؛ كشف الغمّة، ۲،

۴۶۲؛ به نقل از القطره. ۲. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ح ۱۷.

اذ قام القائم عليه السلام جاء بامر جديد كما دعى

رسول الله صلى الله عليه وآله في بدو الاسلام الى امر جديد. (۱)

«هر زمان که قائم ما عليه السلام قیام کند امر تازه‌ای (قانون دید)

می‌آورد چنان که رسول خدا صلى الله عليه وآله در ابتدای اسلام چنین بودند.»

آیا به راستی امام زمان عليه السلام اسلام جدیدی می‌آورند و یا مسلمانان، آن چنان از حقیقت دین و اسلام راستین فاصله گرفته‌اند که بیان اسلام حقیقی از سوی امام را به عنوان «اسلام جدید» تلقی خواهند کرد؟ تردیدی نیست که از بزرگ‌ترین مشکلات امام عليه السلام در زمان ظهور، رویارویی با بدعت‌ها و اهل بدعت و طرفداران آنهاست. در طول قرن‌های متمادی و در جوامع به ظاهر اسلامی، آموزه‌های دینی آن چنان دستخوش سلیقه‌ها، تحریف‌ها، تأویل‌ها، بدعت‌ها و اعمال نظرها شده و چنان انحرافی در اصول و فروع احکام خداوندی پدید آمده و دردناکتر آن که، آن چنان همین عقاید باطل در عمق جان و اعتقاد مردم نفوذ و رسوخ پیدا کرده است که حتی امام عصر عليه السلام و حجّت خدای - تعالی - با آن علم و قدرت و تأییدات الهی نیز وقتی بخواهد حقیقت اسلام و قرآن را بیان کند، باید خون دل‌ها بخورد و مرارت‌ها بکشد و درست به همین دلیل است که در روایات ما آمده است:

هرگاه قائم ما عليه السلام قیام نماید از ناحیه‌ی مردم جاهل با

(حوادثی) سخت‌تر از آن چه پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله از ناحیه‌ی مردم

۱. ارشاد مفید، ۳۵۹ به نقل از نشانه‌های ظهور او، خادمی شیرازی.

جاهلیت مواجه شدند و برو خواهد شد... زیرا هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ نزد مردم مبعوث شد، آنان چوب و سنگ و چوب‌های تراشیده را می‌پرستیدند، در حالی که وقتی قائم ما علیؑ نزد مردم می‌آید همگی کتاب خدا (قرآن) را علیه او تفسیر می‌کنند و بر ضد او (از آیات) دلیل می‌آورند...» (۱)

البته خداوند متعال در قرآن کریم پیشاپیش به مسلمانان هشدار داده بود که اگر پیامبر ﷺ بمیرد یا کشته شود آیا شما به دوران جاهلیت باز خواهید گشت؟ این هشدار حق - تعالی - جدی گرفته نشد. فاجعه، بلافاصله پس از رحلت خاتم الانبیاء ﷺ اتفاق افتاد. مسلمانان در سقیفه بنی ساعده گرد آمدند و به فرمان الهی و توصیه‌های پیامبر خدا ﷺ راجع به وصایت و ولایت حضرت علیؑ پشت پا زدند. یگانه یادگار پیامبر، پاره‌ی تن رسول الله ﷺ، حبیبه خدا، حضرت زهراؑ و فرزند به دنیا نیامده‌اش را با هجومی وحشیانه به شهادت رساندند. هشدار بانوی دو عالم نیز از سوی مسلمانان نادیده گرفته شد، آن گاه که پس از همه‌ی حوادث جانگداز و کمرشکن خطاب به همگان فرمود:

... اَمَا لَعَمْرِي لَقَدْ لَقِيتُ فَنظِرَةً رَيْنَمَا تُسَجُّ ثُمَّ اِخْتَلَبُوا
مِلَّةَ الْقَعْبِ دَمًا عَيِّياً وَ دُعَاةً مُبِيداً....

«... اما به جان خودم سوگند! نطفه‌ی فساد بسته شد. باید انتظار کشید تا کی مرض فساد پیکر جامعه‌ی اسلامی را از پای درآورد. پس از این از پستان شتر (خلافت) به جای شیر، خون

۱. غیبت نعمانی، ۲۹۷؛ بحار الانوار ۵۲، ۳۶۲.

خواهید نوشید و زهری که به سرعت هلاک کننده است.

«اینجاست که روندگان راه باطل زیان کننده اند»

و مسلمانان آینده خواهند دانست که سرانجام اعمال مسلمانان صدر اسلام چه بوده است؟ از این پس قلب‌های خود را از بروز آشوب‌ها مطمئن نمائید. بشارت باد شما را به شمشیرهای کشیده و حمله‌ها و تهاجم‌های پی در پی و به هم ریخته شدن امور اجتماعی مسلمانان و استبداد ستمگران آنها که غنایم و حقوق شما را اندک پرداخت می‌کنند و جمع شما را با شمشیرهای خود درو می‌کنند...» (۱)

سخن از نقطه‌ی آغاز بدعت‌ها و تغییر و تبدیل‌ها در دین خدا بود و تأکید بر این حقیقت که نقطه‌ی شروع این انحراف و فاصله گرفتن از کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ سقیفه بود و از آن پس و به مرور زمان هر روز که سپری شد و هر سال که گذشت فاصله‌ی مردم با دین و دوری آنها از اسلام راستین بیشتر و بیشتر شد. اگر صفحات تاریخ را ورق بزنیم، عمق فاجعه آشکارتر خواهد شد. همه می‌دانیم امیر مؤمنان علیه السلام پس از غصب خلافت بنا به وصیت پیامبر ﷺ و به منظور حفظ اساس اسلام، از حق مسلم خویش چشم پوشیده و در مقابل ربایندگان خلافت سکوت نموده و خار در چشم و استخوان در گلو، مظلومانه و به مدت بیست و پنج سال خانه نشین شدند. تا آن که پس از کشته شدن عثمان، وقتی مسلمانان بر درب خانه‌ی آن حضرت ازدحام

۱. معانی الاخبار و احتجاج ۱، ۱۰۸؛ امالی ۱، ۳۸۴؛ به نقل از فرهنگ سخنان

حضرت زهرا علیها السلام.

کرده و مصرّانه خواستار قبول امر خلافت توسط ایشان شدند آن بزرگوار نیز زمام امور را به دست گرفتند؛ اما واقعیت آن بود که در طول آن بیست و پنج سال به گونه‌ای اسلام واژگون شده بود که مردم به فرمایش حضرت امیر علیه السلام برای دست برداشتن از بدعت‌های ایجاد شده در زمان خلفای سابق گوش فراندادند.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام (پس از قبول مسئولیت خلافت) وارد کوفه شد دستور داد تا امام حسن علیه السلام در میان مردم ندا کند:

«در ماه رمضان در مساجد نماز جماعت مستحبی

نیست.» (۱)

امام حسن علیه السلام در بین مردم اعلام کرد. وقتی مردم پیام حضرت را شنیدند، فریاد برآوردند: «وا عمراه! وا عمراه!» وقتی امام حسن علیه السلام نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد. حضرت پرسید: این چه صدایی است! عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! مردم فریاد می‌زنند «وا عمراه! وا عمراه!» حضرت فرمود: برو به آنان بگو نمازشان را بخوانند! (۲)

این حدیث و احادیث مشابه، شرایط اجتماعی زمان امیرالمؤمنین علیه السلام را به تصویر می‌کشد. از اینجاست که درمی‌یابیم

۱. در الغدير، ج ۵، ص ۳۱ نقل شده است: اول کسی که نماز «تراویح» را بدعت گذاشت عمر بود. «تراویح» بیست رکعت نماز مستحبی بود که در شب‌های ماه رمضان، به جماعت می‌خواندند. این نماز به دو جهت بدعت بود: یکی نماز مستحبی را به جماعت خواندن و دیگری تعیین ۲۰ رکعت به عنوان نماز مخصوص شب‌های ماه رمضان.
۲. تهذیب ۳، ۷۰.

بسیاری از خطبه‌های آن حضرت در زمان حکومت ایشان که در نهج البلاغه نیز گردآوری شده است در شرایط تقیه و در مقابل طرفداران خلفا ایراد می‌شده است و در بسیاری از موارد آن حضرت از بیان حقیقت احکام و... معذور بوده‌اند. چون بنای ایشان بر اجبار مردم نبوده است.

و در مورد «کتاب جدید» نیز که در روایات به آن اشاره شده است به این روایت توجه کنید. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

**كأني أنظرُ إلى شيعةنا بمسجد الكوفة و قد ضربوا
الفساطيط يعلمون الناس القرآن كما انزل....^(۱)**

من شیعیان را در مسجد کوفه می‌بینم در حالی که چادرهایی زده‌اند و قرآن را همانگونه که نازل شده است به مردم آموزش می‌دهند....

تمامی فرقه‌های اسلامی حدیث شریف «ثقلین» را صحیح می‌دانند. همگان پذیرفته‌اند که پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله در این حدیث شریف فرموده‌اند:

**أني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي و انهما لن يفترقا حتى يردا
عليّ الحوض**

یعنی این دو «ثقل» هرگز از هم جدا نمی‌شوند و اتحادشان در وجود و قلب مقدس ائمه‌ی اطهار علیهم السلام می‌باشد. بلکه حضرات معصومین علیهم السلام خود «کتاب الله» و کتاب ناطق پروردگار عالم می‌باشند. روایت ثقلین با تعابیر دیگر نیز در مجامیع روایی شیعی آمده است که

۱. غیبت نعمانی، ۳۱۸؛ بحار، ۵۲، ۳۶۴.

حضرت ختمی مرتبت علیه السلام فرمودند:

انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و علی بن ابی طالب و علی افضل لکم من کتاب الله لانه مترجم لکم عن کتاب الله (۱)

«من در میان شما دو امر سنگین بر جای می‌نهدم. کتاب خدا و علی بن ابی طالب علیه السلام و (حضرت) علی علیه السلام از کتاب خدا برای شما برتر است زیرا که او بیان کننده‌ی معنای حقیقی کتاب خدا برای شما می‌باشد.»

در روایات بسیاری، ائمه‌ی اطهار علیهم السلام مفسر، مترجم، مبین و تأویل کننده‌ی آیات قرآن معرفی شدند تا جایی که این شأن را خاص ایشان دانسته و تأکید کرده‌اند جز «اهل ذکر» که اهل بیت علیهم السلام می‌باشند احدی قادر به درک تمام آیات و فهم، تفسیر و تأویل قرآن نیست. مولای ما حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد قرآن و نسبت آن با خویشان می‌فرمایند:

تلك القرآن فاستنطقوه و لن ينطق لکم اخبرکم عنه ان فيه علم ما مضى و علم ما یأتی الی یوم القيامة (۲)

«آن نسخه‌ی نجات بخش بشریت قرآن است. پس آن را به سخن آورید (اگر می‌توانید!!) هرگز قرآن برای شما سخن نمی‌گوید؛ اما این من هستم که از آن به شما خبر می‌دهم. همانا در قرآن، علم

۱- تفسیر شریف البرهان ۱: ۳۳.

۲- کتاب شریف اصول کافی، ج ۱، کتاب فضل العلم باب الردّ الی الکتاب السنه...

گذشته و علم آینده تا روز قیامت می‌باشد.»

حضرت جواد الائمه علیه السلام خطاب به فردی که از ایشان پرسید: آیا قرآن برای امت (پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) به تنهایی کافی نیست؟ پاسخ فرمودند:

بلی ان وجدوا له مفسراً

«بله، در صورتی که مفسری برای قرآن داشته باشند.»

آن شخص پرسید: مگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرآن را تفسیر ننموده است؟ حضرت پاسخ فرمودند:

بلی قد فسر له لرجل واحد و فسر للامة شأن ذلك

الرَّجُلُ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام. (۱)

«بله! فقط برای یک مرد تفسیر کرد و شأن و جایگاه و

منزلت آن مرد را که علی بن ابی طالب علیه السلام است به امت بازگفت.»

نتیجه آن که وقتی پس از رحلت جانکاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام مهجور گردید، مهجوریت قرآن نیز آغاز گشت و با مظلومیت و شهادت پی در پی امامان، مظلومیت و مهجوریت قرآن نیز ادامه یافت. از این روست که مولای ما حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه در زیات ناحیه‌ی مقدسه خطاب به جدّ غریب خویش حضرت سید الشهدا علیه السلام می‌فرماید: «به واسطه‌ی شهادت شما کتاب خدا مهجور شد.»

و این امری طبیعی و بدیهی است؛ زیرا هر کتاب و هر آیینی صاحب اختیار، ولی امر، حامی و محافظ می‌خواهد. وقتی حامیان و

۱- کتاب شریف اصول کافی، کتاب الحجّة، باب فی شأن انا انزلنا... ح ۶.

حافظان حقیقی دین و کتاب خدا کنار زده می‌شوند و منافقانی همچون معاویه در لباس مؤمنان و کافرانی در لباس خلیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله زمام امور مسلمین را در دست می‌گیرند همچون گرگ‌های در لباس میش، به اسلام و قرآن خیانت خواهند کرد. مگر نه این که در صفین به جنگ قرآن ناطق آمدند و در آستانه‌ی شکست، قرآن‌ها را بر سر نیزه‌ها کردند و عوام الناس را فریب دادند و مولای متقیان را در موضع غربت، مجبور به پذیرش حکمیت کردند و مگر نه این که در کربلا نماز ظهرشان را خواندند و در حالی که قرآن بر گردن آویخته بودند، قرآن ناطق را به شهادت رسانده و پاره‌های بدن او را زیر سم اسب‌های خویش لگد مال کردند. آری! قرآن خلاصه می‌شود در «ولایت» و پیوند این دو ناگسستنی می‌باشد و اگر کسی چیزی را به نام قرآن عرضه کرد که جدای از امام و اهل بیت علیهم السلام بود آن قرآن نیست بلکه کاغذ و دواتی است که بر سر نیزه کرده است (همانند معاویه) و قصد مقابله با کتاب ناطق خداوند و حجّت الهی و فریب مردم جاهل و جدا کردن آن‌ها از راه ولایت را دارد.

آری! این غربت و مظلومیت قرآن نیز تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه خواهد یافت. قابل پیش بینی است که وقتی مولای ما ظهور نموده و تشریف فرما شوند این گروه معاویه صفت در برابر آن حضرت صف آرای می‌نموده و بخواهند قرآن را علیه امام تأویل نمایند. مردمی هم که عمری گوش و ذهنشان از تفسیرها و تأویل‌های برخی مدعیان دروغین فهم قرآن آکنده گشته است اگر فاقد معرفت و بصیرت نسبت به امام باشند احتمال دارد تحت تأثیر القائنات شیطانی این گروه در جبهه‌ی مقابل امام قرار گیرند.

البته اهل بیت علیهم السلام هیچ گاه از اتمام حجّت و رساندن پیام خداوند دریغ نفرمودند. در تاریخ آمده است که حضرت علی علیه السلام پس از جریانات اسفبار غصب خلافت که منجر به خانه نشینی آن حضرت گردید از فرصت استفاده نموده و قرآن را بر اساس شأن نزول به همراه تفسیر و تأویل آیات تنظیم نموده و سپس در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حضور اصحاب، به خلیفه‌ی وقت عرضه نمودند. صد حیف که پاسخ سردمداران وقت این بود که ما به قرآن علی علیه السلام نیازی نداریم. پس از این رویداد این مصحف در نزد امیرالمؤمنین علیه السلام باقی ماند و دست به دست، یکی پس از دیگری به ائمه اطهار علیهم السلام رسیده و هم‌اکنون در نزد حضرت مهدی علیه السلام موجود و محفوظ است.

در کتاب سلیم بن قیس راجع به حوادث پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

وقتی حضرت علی علیه السلام عهدشکنی و بی‌وفایی آنان را دید، خانه‌نشینی اختیار کرد و به قرآن روی آورد و مشغول تنظیم و جمع آن شد و از خانه‌اش خارج نشد تا آن که آن را جمع‌آوری نمود در حالی که قبلاً در اوراق و تکه چوب‌ها و پوست‌ها و کاغذها (نوشته شده) بود.... امیرالمؤمنین علیه السلام قرآن را در یک پارچه جمع‌آوری نمود و آن را مهر کرد. پس بیرون آمد در حالی که مردم با ابابکر در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اجتماع کرده بودند. حضرت با بلندترین صدایش فرمود:

«ای مردم! من از روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفته به به غسل آن حضرت و سپس به قرآن مشغول بوده‌ام تا آن که همه آن را به صورت یک مجموعه در این پارچه جمع‌آوری نمودم. خداوند

بر پیامبر ﷺ آیه‌ای نازل نکرده مگر آن‌که آن را جمع‌آوری کرده‌ام و آیه‌ای از قرآن نیست مگر اینکه آن را جمع نموده‌ام و آیه‌ای از آن نیست مگر آنکه برای پیامبر ﷺ خوانده‌ام و تاویلش را به من آموخته است.»

سپس فرمود: «برای آنکه فردا نگوئید: ما از این مطلب بی‌خبر بودیم!» و بعد فرمود:

«و بدین جهت که روز قیامت نگوئید: من شما را به یاری خویش دعوت نکردم و حق را برایتان یادآور نشدم و شما را به کتاب خدا از ابتدا تا انتهایش دعوت نکردم. عمر گفت: قرآنی که همراه خود داریم ما را از آن چه بدان دعوت می‌کنی بی‌نیاز می‌نماید. سپس علی رضی الله عنه داخل خانه‌اش شد.»^(۱)

این در حالی بود که تنها بیست و پنج سال از رحلت پیامبر ﷺ گذشته بود و تازه در آن بیست و پنج سال باب علم پیامبر، دوّمین شخصیت عالم امکان مولای ما حضرت امیرمؤمنان رضی الله عنه و اصحاب برجسته‌ای همچون سلمان، اباذر، مقداد، عمّار، عبدالله بن مسعود و... در جامعه اسلامی و در میان مردم حضور داشتند و در حدّ توان انحرافات و کژروی‌ها را گوشزد می‌کردند؛ امّا هم اکنون ۱۴۰۰ سال از آن دوران می‌گذرد. در این ۱۴ قرن حاکمیت بر جوامع اسلامی جز مدّت بسیار کوتاهی در اختیار خلفای بنی‌امیه و بنی‌عبّاس و پس از آن پادشاهان و سلاطین خودکامه و امروزه رؤسای فاسد و دست‌نشانده‌ی اغلب کشورهای اسلامی بوده است. آن‌ها که برای رسیدن

۱. اسرار آل محمد ﷺ، ۲۲۲ و ۲۲۳ به نقل از احتجاج طبرسی.

به قدرت و حفظ آن به هر ابزاری خصوصاً عالم نمایان دنیا طلب و دنیاگرا متوسل می شوند و این راهزنان عقیده‌ی مردم و دانشمندان دین به دنیا فروش چه جعل‌ها، اجتهادها، تفسیر به رأی‌ها که نکردند و چه اظهار نظرهای غلطی که نمودند!! و چه فتواها که ندادند!! و چه بدعت‌ها که بنا نهادند! و این همه در حالی بود که وارثان راستین پیامبر، خزانة داران علم خداوند - عزّوجلّ - یعنی اهل بیت پیامبر ﷺ یا در حبس و شکنجه بودند یا تحت نظر و مراقبت و یا در شرایط تقیّه و غیبت و....

بنابراین اصلاً امر بعید و غریبی نیست که با ظهور امام زمان علیه السلام و تبیین اسلام توسط آن حضرت، عده‌ای فریاد و اسلاما برآورند و آن حضرت را العیاذ بالله متهم نمایند و به مقابله با آن جناب برخیزند! و البته در مقطع زمانی پیش از ظهور انحرافات به اوج خود می‌رسد، بدعت‌ها نهادینه و مستحکم شده و فتنه‌ها متنوع و تشخیص حق از باطل دشوار و دشوارتر نیز می‌شود چنان که وجود مقدّس خاتم الانبیاء ﷺ در توصیف آخر الزّمان فرموده‌اند:

«در آن زمان، فتنه‌ها و بدعت‌ها بر دین چنان شایع می‌شود که نوزادان بر آن بدعت‌ها نشو و نما می‌کنند و کودکان بر آنها بزرگ می‌شوند و بزرگان بر آنها پیر می‌شوند تا اینکه این بدعت‌ها به سنت مبدّل می‌گردد و چنان مستحکم می‌شود که اگر چیزی از آنها تغییر داده شود فریادها برمی‌آید که سنتی تغییر یافته است.» (۱)

«در آن زمان خواهید دید که در هر سال بدعت و شرّی

تازه پیدا می‌شود بیشتر از آن چه که بوده است و خواهید دید که با شراب امراض را مداوا می‌کنند و برای مریض از آن تعریف می‌نمایند و از شراب طلب شفا می‌کنند و خواهید دید که برای اذان گفتن و نماز خواندن مزد می‌گیرند.» (۱)

می‌توان پیش‌بینی کرد که رفتار و سیره‌ی امام عصر علیه السلام چه کسانی را به واکنش و خواهد داشت و چه جبهه‌هایی مقابل امام گشوده خواهد شد:

۱. پیروان مذاهب باطل

پیروان مذاهب باطل به ویژه فرقه‌هایی که عداوت با آل رسول علیهم السلام و شیعیان را شعار خویش ساخته‌اند همانند وهابی‌ها، ناصبی‌ها و... وقتی مشاهده می‌کنند فردی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله قیام نموده مذهب آن‌ها را باطل اعلام می‌کند و در نخستین گام از حرکت اصلاحی خویش به سراغ پیشوایان آنها رفته «جبت» و «طاغوت» را زنده نموده و مورد محاکمه و مجازات قرار می‌دهد طبیعی است در مقابل امام صف‌آرایی نموده و به مخالفت برخیزند. اولین و شدیدترین مخالفان امام، دشمنان دیرینه‌ی اهل بیت علیهم السلام، «قریش» به خصوص بنی‌امیه هستند و در روایات نیز آمده است:

... اما أَنَّهُ لَا يَبْدَأُ إِلَّا بِقُرَيْشٍ... (۲)

«... بدانید او جز از قریش آغاز نخواهد کرد.»

۱. روضه کافی، ۳۱.

۲. غیبت نعمانی، ۲۳۳.

۲. حاکمان کشورهای اسلامی

ماهیت پلید حاکمانی که امروزه بر جهان به ویژه اغلب کشورهای اسلامی حکم می‌رانند بر کسی پوشیده نیست. طبیعی است با ظهور امام عصر علیه السلام قدرت سیاسی آنها در معرض نابودی قرار می‌گیرد و این حکام در برابر امام موضع خواهند گرفت اگرچه از بررسی روایات این گونه به دست می‌آید که طی جنگ‌ها و نبردهای پیش از ظهور، قدرت‌های عالم تضعیف شده و اغلب حکومت‌های خاورمیانه هم دچار بی‌ثباتی و تزلزل می‌شوند. اولین کشوری که سردمداران و رؤسای فاسد آن مورد خشم الاهی حضرت مهدی علیه السلام قرار می‌گیرند، عربستان است. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند:

... اما ان قائمنا لو قد قام لقد اخذ بنی شیبه و قطع

ایدیهم و طاف بهم و قال هؤلاء سراق الله (۱)

«... بدانید هرگاه قائم ما علیه السلام قیام کند بنی‌شیبه را دستگیر کرده

و دست‌هایشان را قطع می‌کند و آنها را می‌گرداند و می‌فرماید: اینها

دزدان خدا هستند.»

در روایات مربوط به ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام اعراب مورد مذمت

قرار گرفته‌اند. اگرچه حضرت مهدی علیه السلام خود از نژاد عرب است؛ اما

پس از ظهور با اعراب به شدت برخورد می‌کند. امام صادق علیه السلام

فرمودند:

اتق العرب فان لهم خیر سوء اما انه لم یخرج مع القائم

منهم واحد (۲)

«از عرب پرهیزید (دوری کنید) زیرا خبر بدی برای آنهاست.

بدانید کسی از اعراب با قائم - علیه السلام - قیام نمی‌کند.»

و باز آن حضرت در روایت دیگری فرمودند:

وَيْلٌ لِّطَغَاةِ الْعَرَبِ مِنْ أَمْرِ قَدِ اقْتَرَبَ (۱)

«وای بر طاغوت‌های عرب از حادثه‌ای که نزدیک شده است.»

ابن ابی یعفور که راوی این حدیث است از حضرت امام صادق علیه السلام

پرسید: چه تعداد از عرب در رکاب حضرت مهدی - علیه السلام -

خواهند بود؟ امام علیه السلام فرمودند: «نفر یسیر» تعداد بسیار اندک. ابن ابی

یعفور گفت: امروز تعداد افرادی که آن روز باشکوه را بازگو می‌کنند

بسیار زیاد هستند و حضرت فرمودند:

لَأَبْدًا لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَ يُمَيَّزُوا وَ يُقَرَّبُوا وَ

يُسْتَخْرَجُ فِي الْغُرَبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ.

«به ناگزیر مردم باید امتحان شوند؛ جدا شوند و غربال شوند؛

به هنگام غربال شدن، افراد بی‌شماری از غربال می‌افتند.»

امام محمد باقر علیه السلام نیز فرموده‌اند:

يَقُومُ الْقَائِمُ علیه السلام بَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ

شَدِيدٍ. (۲)

«قائم علیه السلام با کتابی تازه و داوری تازه ظاهر می‌شود و بر عرب

بسیار سخت خواهد بود.»

۱. اصول کافی ۱، ۳۰۱ به نقل از یار مهدی - علیه السلام -، ۱۸۲.

۲. اثبات الهداة ۳، ۵۴۰.

۳. عالمان سوء و فقیهان منحرف

رهبران فکری و علمای منحرف مذاهب نیز از جمله گروه‌هایی هستند که به مخالفت با امام قائم علیه السلام برخوانند خواست امام علیه السلام نیز قاطعانه با آنان برخورد خواهند کرد. زیرا منشأ اصلی انحراف‌ها و گمراهی مردم این طایفه‌اند که از مذهب برای منافع خویش سوء استفاده کرده‌اند و دین خدا را بر اساس تمایلات و افکار خویش توجیه، تفسیر و تأویل نموده‌اند. مخالفت این گروه با حضرت امام مهدی علیه السلام می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. یکی آن که با ظهور امام علیه السلام ریاست خود بر عوام الناس را پایان یافته و پایگاه و جایگاه اجتماعی خویش را از دست رفته می‌بینند. دوم آن که ادعای فهم دین و قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داشته خود را صاحب رأی و نظر و فتوا در دین می‌دانند. طبیعی است که تاب شنیدن احکام حقیقی اسلام و معارف ناب توحیدی را از امام علیه السلام ندارند. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند:

... و اذا خرج هذا الامام المهدي فليس له عدو مبین الا

الفقهاء خاصة هو و السيف اخوان و لولا ان السيف بيده لا

فتى الفقهاء في قتله.... (۱)

«هنگامی که امام مهدی علیه السلام قیام کند دشمن آشکاری به جز فقها نخواهد داشت. او و شمشیر با هم هستند و اگر شمشیر در دستش نبود فقها به قتلش فتوا می‌دادند؛ ولی خداوند ایشان را با شمشیر و بخشش و کرم، آشکار می‌کند. در نتیجه از وی اطاعت می‌کنند در حالی که از او می‌ترسند و حکمش را می‌پذیرند بدون این که ایمان داشته باشند بلکه مخالفشان را در ذهن مخفی

۱. ینابیع المودة ۳، ۶۲.

۳. مدعیان تشیع

در مورد اخبار مرتبط با ظهور، به روایاتی برمی‌خوریم که حاکی از صف‌آرایی گروهی در مقابل امام علیه السلام دارد. از امام محمد باقر علیه السلام نقل است:

ژ

اذ اقام القائم - علیه السلام - سار الی الکوفة فیخرج
منها بضعة عشر آلف انفس یدعون البتریه علیهم السلاح
فیقولون له ارجع من حیث جئت فلا حاجة لنا فی
بنی فاطمة.... (۱)

«هرگاه قائم علیه السلام قیام کرد به کوفه می‌رود. در این هنگام چند ده هزار نفر که به آنان «بتریه» می‌گویند سلاح به دست در مقابل وی ایستاده و می‌گویند از همان جا که آمده‌ای بازگرد که ما را به فرزندان فاطمه علیها السلام احتیاجی نیست. در این هنگام شمشیر بر آنها می‌کشد تا آن که تمام آنها را هلاک می‌سازد. سپس داخل کوفه می‌گردد و هر منافق مرتابی را می‌کشد و کاخ‌های آنها را خراب می‌سازد و هر که با آن حضرت بجنگد هلاک خواهد فرمود تا آن که خداوند - عز و جل - خوشنود گردد.»

پر واضح است که نجف از دیرباز محلّ زندگی شیعیان بوده و با توجه به وجود حوزه‌ی علمیه‌ی نجف، عالمان زیادی در این شهر حضور داشته و دارند. مطابق حدیث فوق و به احتمال قوی در آستانه‌ی

ظهور، اشخاص و گروه‌هایی در این شهر به قدرت خواهند رسید که اگر چه در ظاهر شیعه هستند و از اهل بیت علیهم‌السلام دم می‌زنند؛ اما در باطن منافق، جاه‌طلب و قدرت دوست هستند و با تشریف فرمایی امام وقتی موقعیت سیاسی، اجتماعی یا مذهبی خویش را در خطر می‌بینند در مقابل امام ایستاده و با گستاخی تمام می‌گویند: از همان راهی که آمده‌ای برگرد!

در روایت دیگری امام پنجم علیه‌السلام خبر از ملاقات حضرت مهدی علیه‌السلام با سپاه سید حسنی در کوفه می‌دهند. در این ملاقات سید حسنی از امام معجزه می‌خواهد و امام علیه‌السلام نیز مطابق درخواست او، معجزه ارائه می‌کند. حسنی و بقیه‌ی سپاه وی با امام بیعت می‌کنند مگر چهل هزار نفر اصحاب مصاحف (قرآن‌ها) که معروف به زیدیه هستند. آنها می‌گویند این کار، جادوی بزرگی است در نتیجه دو سپاه با هم درگیر می‌شوند. حضرت مهدی علیه‌السلام به سوی گروه منحرف می‌رود و آنها را نصیحت می‌کند و تا سه روز آنان را دعوت می‌کند ولی جز سرکشی و کفر بیشتر در آنها نمی‌افزاید. امام نیز فرمان کشتن آنها را صادر می‌کند. پس به اصحابش می‌فرماید: این قرآن‌ها را از آنها دور نکنید تا مایه‌ی حسرت آنان (در آن دنیا) باشد، همان گونه که قرآن را (با تفسیر به رأی خویش) تغییر داده و تحریف نموده و به آن عمل نمی‌کردند^(۱). خوب است بدانید سید حسنی از خراسان یا مازندران قیام می‌کند و یاران او نیز همگی تحت نام امام عصر علیه‌السلام و برای یاری آن حضرت به وی می‌پیوندند. اینان (یعنی این ۴۰ هزار نفر) که تا پیش از ظهور، به زهد و

۱. اثبات الهداة، ۷، ۱۸۹.

پارسایی و همدمی با قرآن شهره بودند به دلیل نداشتن بصیرت در دین به دشمنان امام زمان علیه السلام مبدل می شوند و به هیچ قیمتی حاضر به دست برداشتن از اعتقاد باطل خویش نبوده و سرانجام توسط سپاهیان امام به هلاکت خواهند رسید.

اساسی ترین و مهم ترین سؤالی که ممکن است با خواندن این سطور به ذهن خوانندگان عزیز متبادر شود آن است که: «چه کنیم تا از این فتنه های زمان ظهور با صحت و سلامت عبور کنیم؟» جالب آن است که در تعالیم پیشوایان معصوم ما آمده است که وقتی برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا می کنید و درک ظهور نورانی آن حضرت را طلب می کنید از خداوند - جل و علا - بخواهید به شما توفیق عنایت کند تا با عافیت، آن دوران را درک کنید. چگونه می توان با عافیت دوران ظهور مولی را درک کرد؟ چه کنیم تا از آزمون ها سربلند بیرون بیائیم؟

در یک کلام، کلید طلایی مصون ماندن از انحراف و سقوط در کوران حوادث ظهور «تسلیم مطلق در برابر امام زمان علیه السلام» است. و البته، این معنا در مقام حرف و گفتار آسان و در مقام عمل مشکل است. فرض کنید فردی، یک عمر دم از اهل بیت علیهم السلام زده است؛ احادیث و روایات معصومین علیهم السلام را تا آن جا که با ذوق و سلیقه ی فکری و سیاسی اش مطابقت داشته قبول کرده است. افراد و شخصیت هایی را به عنوان آئینه ی تمام عیار دین و قرآن برگزیده و پذیرفته است. او تصور می کند اگر امام زمان علیه السلام تشریف بیاورند حتماً او و یا جریانی که وی طرفدار آن است را تأیید خواهد کرد و حتی شاید در ذهن خویش بگوید: اگر ایشان امام زمان علیه السلام باشد قطعاً باید مرا یا فلان کس را تأیید کند یا فلان کار را مورد تأیید قرار دهد و در غیر این صورت - العیاذ بالله - باید در

امام زمان بودن او شک کرد!! حال فرض کنید حضرت تشریف بیاورند و او و یا اعتقاد مورد نظر او را تأیید نکنند، دو حالت متصور است: یکی آن که پی به اشتباه خویش ببرد و معرفت او نسبت به حجّت خدا تا بدین پایه باشد که سخن امام را فصل الخطاب و ملاک حقّ و باطل بدانند؛ بر مواضع اشتباه خویش جاهلانه اصرار نورزد و بالاخره با تضرّع و ابتهال به درگاه خداوند - تعالی - توبه کند و به ساحت مقدّس امام عصر علیه السلام عرض ارادت و ابراز وفاداری و اطاعت کند. حالت دیگر آن است که بر مواضع غلط خویش اصرار ورزد، علیه حجّت خدا شمشیر بکشد و همچون خوارج بخواهد در مقابل امام زمان خویش گردنکشی نماید. این جاست که اهمّیت این مطلب آشکار می شود. دارا بودن «ملکه‌ی تسلیم» در برابر امام علیه السلام است که در این بُرهه‌های حسّاس، راهگشا و نجات‌بخش انسان خواهد بود. در کلمات معصومین علیهم السلام، ادعیه و زیارات نیز واژه‌های «سِلْم» و «تسلیم» بسیار به کار رفته است. مولایمان امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

الاسلام هو التسليم و التسليم هو اليقين. (۱)

«اساس اسلام، تسلیم است و تسلیم، یقین است.»

و در زیارت عاشورا خطاب به حضرت سیّد الشهداء علیه السلام می گوئیم:

إني سلم لمن سالمكم و حرب لمن حاربكم.

در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی:

﴿ان الدين عند الله الاسلام...﴾

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۲۱.

«همانا دین در نزد خداوند اسلام می‌باشد.»

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

الاسلام هو التسليم لعلی بن ابی طالب بالولاية. (۱)

«(منظور از اسلام) تسلیم شدن نسبت به حضرت امیرالمؤمنین

علی بن ابی طالب علیه السلام به وسیله‌ی قبول ولایت ایشان است.»

ملاک و معیار دین داری و نشانه‌ی مسلمانی، تسلیم بودن در برابر امیرمؤمنان علیه السلام و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام است. به اعتقاد شیعه، قلب مطهر معصومین علیهم السلام تجلیگاه مشیت حق - تعالی - است، چنان که مولایمان حضرت صاحب الزمان علیه السلام فرموده‌اند:

قلوبنا اوعية لمشيئة الله فاذا شاء شئنا و الله يقول ﴿وما

تشاؤون الا ان يشاء الله﴾. (۲)

«قلب‌های ما ظرف‌هایی برای مشیت خداوند است. پس هر

گاه که او بخواهد ما می‌خواهیم و خداوند (در قرآن) می‌فرماید: و

شما نمی‌خواهید مگر آن چیزی را که خدا بخواهد.»

این بزرگواران «مستقرّین فی امرالله» می‌باشند. در امر و فرمان خدا استقرار یافته‌اند. در اجرای فرمان الهی ثابت قدم و پایدارند. اوامر الهی را بدون هیچ خوف و ترس و حزم و احتیاطی اجرا می‌کنند و جز به خواست الهی عمل نمی‌کنند. امام «قلب الله» است. علم خداوند - تعالی - نزد اوست. «لسان الله» است. زبان خداست. از جانب خداوند سخن می‌گوید و خداوند نیز با زبان امام سخن می‌گوید. امام

۱- تفسیر شریف البرهان ۱: ۲۷۴.

۲- تفسیر شریف صافی ج ۷، ذیل آیه‌ی ۳ از سوره‌ی انسان.

صَادِق عليه السلام فرموده‌اند:

حدیثی، حدیث ابی و حدیث ابی حدیث حدیث جدی و
حدیث جدی، حدیث الحسین و حدیث الحسین حدیث
الحسن و حدیث الحسن حدیث امیرالمؤمنین و حدیث
امیرالمؤمنین حدیث رسول الله و حدیث رسول الله قول الله
عز و جل. (۱)

«حدیث من، حدیث پدرم می‌باشد و حدیث پدرم حدیث جدم
و حدیث جدم، حدیث حسین عليه السلام و حدیث حسین عليه السلام حدیث
حسن عليه السلام و حدیث حسن عليه السلام حدیث امیرالمؤمنین عليه السلام و
حدیث امیرالمؤمنین عليه السلام حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و حدیث
رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتار خدای عز و جل می‌باشد.»

رضایت امام، رضایت خداست. غضب امام، غضب خداست. تأیید
امام، تأیید خداست. دست امام «یدالله» است. اگر کسی با شمشیر امام
هلاک گردید به اعماق جهنم سقوط خواهد کرد. مهم این است که ما
به این مفاهیم یقین پیدا کنیم و بدون چون و چرا تسلیم امر و نهی امام
باشیم. سرّ این که شیعه، اطاعت محض را فقط از چهارده معصوم روا
می‌شمارد همین است. چرا که یقین داریم کوچک‌ترین خطا و
اشتباهی در وجود مبارکشان راه ندارد و طبیعتاً در برابر این عصمت
مطلق، اطاعت بی چون و چرا و بی قید و شرط از این بزرگواران بر
همگان واجب شده است. معروف است که عبدالله بن ابی یعفر که از
اصحاب امام صادق عليه السلام بوده است خطاب به آن حضرت عرضه

۱- کتاب شریف اصول کافی، ج ۱، کتاب فضل العلم ح ۱۴.

داشت: «یابن رسول الله! اگر شما اناری را از وسط به دو نیم کنید و نیمی را حلال و نیمی را حرام بشمرید، من نیز همانند شما نیم اول را حلال و نیم دوّم را حرام می دانم.» باید باور داشته باشیم حق با امام، از امام و به سوی امام است و امام زمان علیه السلام هم اینک معدن حق می باشند و جز در نزد ایشان حقی وجود ندارد، چنان که در زیارت جامعه‌ی کبیره می خوانیم:

الحق معکم و فیکم و منکم و الیکم و انتم اهلہ و

معدنہ...

«حق با شما و در شما و از شما و به سوی شما می باشد و شما

خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله اهل حق و معدن آن می باشید.»

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در خطبه‌ی جاودانه‌ی غدیر ضمن توصیف

فرزند برومند خویش حضرت مهدی علیه السلام می فرمایند:

...ولا حقّ الا معه و لا نور الا عنده...

«هیچ حقی نیست جز با او (مهدی علیه السلام) و هیچ نوری نیست

جز نزد او.»

همین یک کلام موجز رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر آویزه‌ی گوش مؤمنان و

شیعیان قرار گیرد برای سربلندی در آزمون‌های دوران ظهور کافی

است. حق فقط نزد حضرت مهدی علیه السلام است و بس. حقی در جای

دیگر یافت نمی شود. هر فرد یا جریان یا گروهی با هر دلیل و توجیهی

در مقابل حضرت بایستند یا مغضوب آن جناب قرار گیرند گمراه،

باطل و اهل شقاوتند؛ حتی اگر همچون خوارج ظاهر الصلاح و زاهد

زمانه باشند. اگر همه‌ی مردم مقابل امام عصر علیه السلام ایستادند ما نباید در

حقانیت امام، اندک تردیدی به خرج دهیم و جانب ایشان را رها

نسازیم. این فرمایش رسول اکرم ﷺ را خطاب به عمّار یاسر نصب العین خویش قرار دهیم که:

یا عمّار ان رأیت علیاً قد سلک وادياً و سلک الناس وادياً غیره فاسلک مع علی ودع الناس انه لن یدلک علی ردی و لن یخرجک من الهدی. (۱)

«ای عمّار! اگر دیدی علی علیه السلام از راهی رفت و مردم از راه

دیگری، با علی باش و مردم را رها کن...»

به طور خلاصه، راه نجات و در امان بودن از گمراهی و هلاکت پیش از ظهور و زمان ظهور:

۱. تقویت بنیادهای معرفتی، کسب ظرفیت و بصیرت و دارا بودن روحیه‌ی تسلیم در برابر امام و مَلَکة شدن اطاعت صد در صد از امام برای انسان. با تمام وجود تسلیم حضرت صاحب الزّمان علیه السلام باشیم؛ حتی در مسائلی که مورد قبول و درک و فهم ما نیست. آماده‌ی شنیدن هر مطلب حقی از امام باشیم؛ هرچند گذشته‌ی ما یا افراد مورد علاقه‌ی ما را زیر سؤال ببرد. چنان که مولا امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرمایند:

«ما (همراهان رسول خدا ﷺ) با پیامبر اکرم ﷺ بودیم

در حالی که پدران، فرزندان، برادران و عموهای خود را می‌کشتیم و

این کار نمی‌افزود مگر ایمان و تسلیم و بر شاه‌راه صراط مستقیم

بودن و صبر ما را بر دردها و رنج‌ها.» (۲)

۲. توسّل به وجود مقدّس امام عصر علیه السلام و اجداد طاهرینش و تضرّع و

ابتهاال به درگاه خداوند متعال به منظور محفوظ ماندن از لغزش‌ها و هدایت شدن در مسیری که مورد رضایت خدای متعال و اهل بیت علیهم‌السلام است.

۳. مطالعه‌ی روایات رسیده از ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام راجع به نشانه‌ها، علایم و رویدادهای زمان ظهور به منظور اطلاع از حوادث و شناخت وظیفه در هر برهه و مقطع از زمان ظهور.

۴. برای هیچ فرد و گروهی در برابر امام کوچک‌ترین ارزشی قائل نباشیم. ظهور به منزله‌ی قیامت صغری است. «یوم تبلی السرائر» است. باطن‌ها را آشکار خواهد ساخت. شاید ما فردی را در زمره‌ی بهترین شیعیان بدانیم؛ اما امام علیه‌السلام او را طرد و نفی نماید. آمادگی تسلیم در برابر این گونه قضاوت‌های امام را در خود ایجاد کنیم.

فصل سوّم

بعثتہا دوبارہ

بنا به آنچه خداوند متعال در قرآن کریم به آن اشاره فرموده و در کتاب‌های تاریخ نیز به تفصیل بیان گردیده است زندگی مردمان عرب، پیش از بعثت حضرت خاتم‌الانبیاء ﷺ سرشار از انحرافات اعتقادی، نابسامانی‌های اجتماعی و مفسد اخلاقی بوده است.

تعصب‌های جاهلی، چشم داشت به مال و جان و ناموس یکدیگر، تجاوز به سایر قبایل و طوایف، جنگ و خونریزی آن‌هم به بهانه‌های واهی، نصب پرچم فاحشگی بر بام برخی خانه‌ها، رواج انواع قمار و بخت آزمایی، نوشیدن شراب، خوردن گوشت خوک و مردار، عریانی و برهنگی که دامنه‌ی آن تا هنگام طواف به گرد کعبه نیز کشیده شده بود، برده‌داری و خرید و فروش انسان‌ها به عنوان کالا، زنده به گور کردن دختران و راندن پسران به عنوان «نقی ولد» و فرزند خواندگی آن‌ها توسط افراد بیگانه، رواج وحشتناک ریا، فاصله‌ی طبقاتی که عملاً جامعه را به اشراف و غیر اشراف تقسیم کرده بود و بدتر از همه تراشیدن بت‌هایی از سنگ و چوب به دست خویش و پرستیدن آن‌ها که منحط‌ترین نوع کفر و شرک به حساب می‌آید... در

چنین ظلمتی بود که خورشید تابناک حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله طلوع کرد و فروغ آن به شب سیاه جاهلیت خاتمه بخشید.

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در توصیف دوران جاهلیت می فرمایند:

«خداوند، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را هنگامی به رسالت فرستاد که

از زمان بعثت پیامبران پیشین، مدت‌ها گذشته و ملت‌ها در خواب

عمیقی فرو رفته بودند. فتنه و فساد جهان را فرا گرفته و اعمال

زشت رواج یافته بود. آتش جنگ، همه جا زیانه می‌کشید و دنیا بی

نور و پر از مکر و فریب گشته بود. برگ‌های درخت زندگی به

زردی گراییده و از میوهی آن خبری نبود. آب حیات فرو خشکیده و

نشانه‌های هدایت، کهنه و ویران شده بود. پرچم‌های هلاکت و

گمراهی آشکار و دنیا با قیافه‌ی زشتی به مردم می‌نگریست و با

چهره‌ای عبوس و غم‌آلود با اهل دنیا رو به رو می‌گشت. میوه‌ی

درخت دنیا در جاهلیت، فتنه و خوراکش مردار بود. در درونش

وحشت و اضطراب و بر بیرون شمشیرهای ستم حکومت

داشت.» (۱)

«خداوند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را هشدار دهنده‌ی جهانیان

مبعوث فرمود تا امین و پاسدار وحی الهی باشد؛ آن‌گاه که شما

ملت‌های عرب، بدترین دین را داشته و در بدترین خانه‌ها زندگی

می‌کردید. میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک

فاقد شنوایی به سر می‌بردید. آب‌های آلوده می‌نوشیدید و غذاهای

ناگوار می‌خوردید. خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید و پیوند

خویشاوندی را می‌بریدید. بت‌ها میان شما پرستش می‌شد و مفسد
و گناهان شما را فرا گرفته بود.» (۱)

با نگاهی گذرا به سیمای کنونی جهان در می‌یابیم که جاهلیت
امروز در مقایسه با جاهلیت پیشین، نه تنها چیزی کم ندارد بلکه
پیشرفته‌تر، متنوع‌تر و ابعاد آن بسیار وسیع‌تر و اسف‌بارتر است. برخی
از ویژگی‌ها و دستاوردهای این جاهلیت عبارت است از:

۱- افزایش جنگ‌ها

هیچ مقطعی از تاریخ، همانند قرن بیستم، شاهد جنگ‌های
فراوان و نزاع‌های پر دامنه نبوده است. طبق برآورد سازمان صلیب
سرخ جهانی، بیش از یک صد میلیون نفر در جنگ‌های این قرن، جان
باخته‌اند که تعداد قابل توجهی از آنان را زنان و کودکان و غیر نظامیان
تشکیل داده‌اند. در این قرن تنها در کشورهای کمونیستی ۱۷ میلیون
انسان کشته شده‌اند و آمار کشته شدگان جنگ جهانی دوم ۷۰ میلیون
نفر بوده است. در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم نیز سرویس‌های
خبری، مملو از گمانه‌زنی‌ها در باب خطر بروز جنگ‌های جهانی
(نبردهای هسته‌های میان آمریکا و روسیه، چین و آمریکا، هند و
پاکستان و...) است. برخی نظریه پردازان غربی همچون هاتینگتون
معتقد است عصر کنونی به طور عمده آوردگاه سه تمدن اسلامی،
کنفوسیوسی و غربی است و افکار عمومی را به گریزناپذیر بودن
برخورد تمدن‌ها متقاعد می‌کنند. اختلافات تجاری میان چین، اروپا و

امریکا که گاه در قالب اعمال تحریم‌های یک جانبه و... بروز و ظهور می‌یابد گواه این ادعاست. سازمان ملل پیش بینی کرده است که در آینده‌ی نزدیک، مسأله‌ی تأمین آب به موضوعی تنش آفرین در روابط بین‌المللی تبدیل خواهد شد و همچون نفت که هم اکنون از عوامل مهم مناقشات بین‌المللی است، معادلات و چالش‌های جدیدی را در میان کشورهای جهان رقم خواهد زد.

اگر در جاهلیت پیش از اسلام، جنگ میان قبایل و گروه‌ها با سلاح سرد (شمشیر، نیزه، کمان و...) صورت می‌گرفت، امروزه با ساخت سلاح‌های هسته‌ای و انواع و اقسام بمب‌ها و موشک‌ها و نیز تسلیحات شیمیایی و میکروبی، با فشار یک دگمه و ظرف چند ثانیه حیات ده‌ها میلیون انسان به خطر می‌افتد. در روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام به جنگ‌های آخرالزمان اشاره شده است و پر واضح است که این نبردهای خونین هیچ ارتباطی با حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام ندارد و در نتیجه‌ی رقابت‌ها و کشمکش‌های قدرت شیطانی عالم اتفاق خواهد افتاد. ابابصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمودند:

«این امر (ظهور امام قائم علیه‌السلام) واقع نمی‌شود تا این که دو سوّم مردم از بین بروند.»

سؤال کردیم وقتی دو سوّم مردم از بین رفتند پس چه کسی باقی می‌ماند؟ آن حضرت فرمودند:

«آیا دوست ندارید جزو یک سوّم باقی مانده باشید؟»^(۱)

و امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

۱- عصر ظهور: ۲۱۱ به نقل از بحارالانوار ۵۲: ۲۳۵.

«در پیشاپیش این امر (ظهور امام قائم علیه السلام) قتل دائمی خواهد بود که سستی نخواهد داشت.» (۱)

۲ - ظلم جهانی

در آغاز هزاره‌ی سوم میلادی و علی‌رغم پیشرفت‌های عظیم در عرصه‌ی علم و تکنولوژی، نه تنها از بهشت موعود زمینی و مدینه‌ی فاضله‌ی آرمانی خبری نیست که هنوز سایه‌ی شوم ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی بر بسیاری از نقاط جهان و در روابط میان دولت‌ها سنگینی می‌کند. ظلم در ساختار دولت‌ها و مناسبات بین‌المللی نهادینه شده و دبیر کل سازمان ملل اخیراً اعلام کرده است که از چهل سال پیش تا کنون جهان به سوی تشدید ظلم و جور در حرکت بوده است. هم‌اینک موازنه‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهان کاملاً به سود کشورهای ثروتمند (شمال) و به زیان کشورهای جهان سوم (جنوب) شکل گرفته و هر چه زمان می‌گذرد این شکاف عمیق‌تر و قدرت مانور کشورهای فقیر کمتر می‌شود. آگاهان به مسائل شمال - جنوب در دهه‌ی هشتاد میلادی اعلام کردند:

۱ - نیم درصد از هزینه‌ی نظامی سالانه‌ی جهان می‌تواند جواب گوی مخارج تمام ماشین آلات کشاورزی مورد نیاز کشورهای کم درآمد برای افزایش سطح تولیدات غذایی آنها و رساندنشان به مرحله‌ی خودکفایی (خودبسندگی) تا سال ۱۹۹۰ (یعنی ظرف دو سال) باشد.

۱ - معجم الاحادیث الامام المهدی علیه السلام ۴: ۱۶۴.

۲- با هزینه‌ی یک جنگنده (بیست میلیون دلار) می‌توان چهل هزار داروخانه‌ی روستایی تأسیس کرد.

۳- یک تانک مدرن، هزینه‌ای معادل یک میلیون دلار دارد. این مبلغ برای بهبود تأسیسات نگهداری از صد هزار تن برنج کفایت می‌کند که می‌تواند سالیانه چهار هزار تن برنج را بیشتر در انبارها نگاه دارد. با همین مبلغ می‌توان هزار کلاس برای آموزش سی هزار کودک تشکیل داد. مهم آن است که جهان سرمایه‌داری حاضر به دادن هیچ امتیازی به جهان سوّم نیست؛ بلکه در صدد وابسته‌تر کردن کشورها و ملت‌ها به غرب می‌باشد.

صرف نظر از آن که امروزه بسیاری از ملت‌ها به منزله‌ی بردگانی در دست مافیای قدرت و ثروت جهانی و کارتل‌ها، انحصارات تجاری و شرکت‌های بزرگ فراملّیتی و میلیاردهای پشت صحنه‌ی آن اسیر هستند، قاچاق انسان و ترانزیت زنان و کودکان از کشورهای فقیر به سایر نقاط جهان و استثمار آنها، منحط‌ترین نوع برده‌فروشی و برده‌داری در عصر احترام به حقوق بشر را تداعی می‌کند و اخیراً سازمان جهانی کار، از وجود دوازده میلیون برده با مفهوم سنتی آن در جهان خبر داد.

رسانه‌های جمعی و غول‌های رسانه‌ای همچون هالیوود، افکار عمومی دنیا را به نحو غیر ملموس در راستای منافع صاحبان قدرت و ثروت، رهبری می‌کنند و در حقیقت امپراطوری شیطان، با استفاده از پیشرفته‌ترین روش‌ها و شگردهای تبلیغاتی نبض اقتصاد، فرهنگ و سیاست را در دنیا به دست گرفته و سیاست را بر عدالت مسلط ساخته است. عجیب این‌جاست که کشورهای جهان مجبورند در این

بازی که قواعد آن را کشورهای سرمایه داری نوشته و تنظیم کرده‌اند شرکت کنند. ترکیب اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل که مهم‌ترین ارگان بین‌المللی است و قائل بودن «حق و تو» فقط برای پنج قدرت برتر در جهان از مصادیق ظلم نهادینه شده در عرصه‌ی جهانی است. آنان که به دنبال تحقق «ملت ظلماً و جوراً» می‌گردند آیا در طول تاریخ بشر چنین ستمی با این وسعت سراغ دارند؟

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«حضرت قائم علیه السلام قیام نمی‌کند مگر در دورانی پر از بیم و

هراس.» (۱)

همچنین آن حضرت فرمودند:

«مهدی علیه السلام هنگامی قیام می‌کند که زمام کارهای جامعه در

دست ستم‌کاران باشد.» (۲)

۳- فقر و گرسنگی

در عصر ما سخن از حمایت از حقوق حیوانات، حفظ محیط زیست و محافظت از لایه‌ی اُزن بر سر زبان‌هاست؛ اما در همین لحظه، صدها میلیون انسان از گرسنگی رنج می‌برند و یا به آب آشامیدنی سالم و حداقل‌های یک زندگی دست رسی ندارند. اواخر سال ۱۹۹۶، بانک جهانی گزارش کرد که روازنه بیش از ۸۰۰ میلیون نفر گرسنه، در جهان به سر می‌برند و بیش از ۵۰۰ میلیون کودک غذای کافی برای رشد روانی و جسمانی دریافت نمی‌کنند.

۱- الغیبة نعمانی: ۲۳۵.

۲- ملاحم سید بن طاووس: ۷۷.

معاون بانک جهانی می‌گوید روزانه حدود ۴۰ هزار نفر در جهان بر اثر گرسنگی می‌میرند که غالباً در مناطق روستایی رخ می‌دهد. حتی در جامعه‌ی آمریکا که امروزه نماد تمدن غرب به شمار می‌رود ۱۳-۱۴ درصد مردم زیر خط فقر به سر می‌برند یعنی در جامعه‌ی ۲۶۰ میلیونی، حدود ۳۰ یا ۴۰ میلیون نفر در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. سازمان بهداشت جهانی، شعار سال ۲۰۰۵ میلادی را «سلامتی تک تک مادران و کودکان» اعلام نمود؛ ولی در گزارش خود خاطر نشان ساخت سالانه بیش از نیم میلیون مادر بر اثر بارداری و زایمان می‌میرند. در همین زمان ۱۰/۶ میلیون کودک زیر ۵ سال بر اثر معدودی بیماری قابل پیشگیری و درمان‌پذیر جان خود را از دست می‌دهند. تقریباً تمامی این مرگ‌ها در کشورهای با درآمد پایین یا متوسط و در بین فقیرترین افراد این کشورها رخ می‌دهد.

نزدیک به ۹۹ درصد مرگ مادران و کودکان زیر ۵ سال در جهان در کشورهای با درآمد کم یا متوسط روی می‌دهد به ویژه در صحرای آفریقا و آسیای جنوبی... (۱)

۲- شیوع بیماری‌های مهلک

از میان تمام بیماری‌های عفونی واگیر، بشر تنها توانسته است آبله را ریشه‌کن سازد و آن هم محتمل است به عنوان سلاح بیولوژیک مورد استفاده‌ی جنگ‌افزایی قرار گرفته و هم‌اینک در زرادخانه‌های

۱- سازمان بهداشت جهانی؛ ویکتورا و همکاران ۲۰۰۳؛ گراهام و همکاران

نظامی قدرت‌های بزرگ موجود باشد و امید چندانی به ریشه کنی آن نیست.

در دهه‌های پایانی قرن بیستم واژگان جدیدی وارد دایرة المعارف پزشکی شد و لرزه بر اندام کارشناسان بهداشتی و سیاسی جهان انداخت. اگر چه برخی با بدبینی معتقدند بیماری‌هایی همچون سارس، جنون گاوی، آنفلوآنزای مرغی... از توطئه‌های دولت‌هایی همچون آمریکا نشأت می‌گیرد؛ اما حداقل در مورد بیماری ایدز می‌توان این احتمال را منتفی دانست. ایدز کشنده‌ترین بیماری منتقله از راه تماس جنسی، چهارمین عامل مرگ ناشی از بیماری‌های عفونی در جهان، جزو ده علت عمده‌ی مرگ در جهان و بزرگ‌ترین عامل مرگ در ناحیه‌ی زیر صحرای آفریقا است.

از سال ۱۹۸۱ که برای نخستین بار این بیماری در میان چند همجنس‌باز شناسایی شد تاکنون هفتاد میلیون نفر را مبتلا و ۲۸ میلیون نفر را به کام مرگ کشانده است و هم‌اینک روزانه ۱۴ هزار نفر به این بیماری مبتلا می‌شوند. در برخی کشورهای آفریقایی از هر ۳ جوان یکی مبتلا به ایدز می‌باشد و پیش‌بینی می‌شود در صورت ادامه‌ی این روند تا سال ۲۰۲۰ میلادی برخی کشورهای جنوب صحرای آفریقا به کلی خالی از سکنه شوند.

آفریقا اگر چه ۱۱ درصد جمعیت جهان را داراست؛ ولی دو سوم مبتلایان به ایدز را در خود جای داده است. کشورهای مسلمان نشین شمال آفریقا همچون مصر، الجزایر، لیبی و... کمترین و کشورهای جنوب صحرا بیشترین مبتلایان را دارند. ایجاد این بیماری چرخه‌ی تولید، کشاورزی، صنعت و حتی آموزش و پرورش را در این کشورها

متأثر ساخته است. جالب است بدانید پس از رفتن به محل کار، بیش‌ترین علت خروج از منزل در این کشورها برای شرکت در مراسم تدفین و ترحیم قربانیان ایدز صورت می‌گیرد. در بسیاری از کشورهای آفریقایی، بیش از نیمی از همه‌ی ظرفیت‌ها و تخت‌های بیمارستانی توسط مبتلایان به ایدز اشغال بوده و حتی در برخی کشورهای فقیر تا دو سوم کل بودجه‌های بهداشتی درمانی نیز توسط این بیماری بلعیده می‌شود. پیش‌بینی و تخمین بانک جهانی حاکی از آن است که تا سال ۲۰۲۰ میلادی بیش از ۲۷ هزار نفر از آموزگاران کشور آفریقایی تانزانیا به دلیل ابتلا به ایدز جان خود را از دست خواهند داد.

علی‌رغم این‌که سالیانه ۱۰ میلیارد دلار در جهان برای مقابله با بیماری ایدز هزینه می‌شود هنوز درمان مؤثر و نیز واکسنی برای پیشگیری از این بیماری کشف نشده است.

امروزه اضطراب و افسردگی، شایع‌ترین بیماری‌های جوامع به حساب می‌آیند و حدود ۴۵۰ میلیون نفر در جهان از انواع بیماری‌های روانی یا رفتاری رنج می‌برند و مرگ و میر به علت بروز سکت‌های قلبی و ابتلا به انواع سرطان افزایش یافته است و ظهور انواع باکتری‌هایی که نمی‌توان با آنتی‌بیوتیک‌های فعلی آنها را از بین برد اندک اندک به تهدیدی علیه سلامت عمومی تبدیل می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«اعمال زشت و فواحش در قومی ظاهر نمی‌شود مگر که در

این قوم، طاعون و بیماری‌هایی آشکار می‌گردد که در میان گذشتگان

آنها نبوده است.» (۱)

از چندین امام معصوم نیز روایتی با مضمون مشابه نقل شده است که هرگاه مردم به گناه جدیدی روی آورند، خداوند بلاى جدیدی نازل می‌کند. از جمله حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

«هر آن‌گاه که مردم گناهان تازه‌ای پدید آورند که پیش از این آن را انجام نمی‌دادند، خداوند گرفتاری‌های تازه‌ای برایشان پدید آورد که آن را حساب نمی‌کردند.» (۲)

۵- رواج بی‌بندوباری و فروپاشی خانواده

با پیشرفت فن‌آوری اطلاعات و دسترسی آسان به ماهواره و اینترنت، خانواده‌ها در تربیت فرزندان با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند. بنا به آمار سازمان ملل «سایت‌های غیر اخلاقی» پر بیننده‌ترین و عکس‌های غیر اخلاقی بیش‌ترین موارد جست و جو را در بین موتورهای جست و جو داشته‌اند.

در زمان جاهلیت، انواع و اقسام ازدواج با زنان رواج داشت؛ اما تصویب قانون ازدواج با هم‌جنس در برخی کشورهای اروپایی عیار جاهلیت مدرن امروز را نسبت به جاهلیت پیش از ظهور اسلام بالا برده و از این حیث، قرن ما را ننگ‌آورترین دوره‌ی زندگی بشر ساخته است، زیرا در دنیای حیوانات نیز چنین پدیده‌ای رؤیت نشده است.

۱- وسایل الشیعه ۱۶: ۲۷۲، اصول کافی ۲: ۲۷۷.

۲- تحف العقول، کلمات قصار امام کاظم علیه السلام، ح ۲۱.

رواج هم جنس گرایی و حتی حمایت برخی از رهبران مذهبی غرب از یک سو و تولید فیلم های متعدد و دارای زمینه های غیراخلاقی در مراکزی نظیر هالیوود از سوی دیگر، موجب عدم تمایل جوانان برای تشکیل خانواده شده است. نظر سنجی های انجام شده نشان داده است خانواده های اروپایی تمایل بیشتری برای نگهداری حیوانات خانگی نسبت به فرزندان دارند. در انگلیس و آمریکا بنابر نقل پایگاه بی بی سی بزرگ ترین چالش فراروی خانواده ها، روی آوردن جوانان و نوجوانان به مسایل سکس و بروز بارداری قبل از ازدواج می باشد و حتی بنابر این نقل، دختران از سن ۸ سالگی به استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری روی می آورند.

مجالس لهو و لعب در زمان جاهلیت پیشین فقط با شراب آراسته می شد؛ اما امروزه انواع و اقسام مواد مخدر و نشئه زاء، نوشابه های الکلی و قرص های روان گردان، صدها میلیون انسان را در سراسر جهان به دام اعتیاد مرگ بار کشانده است.

۶- خشونت

روزنامه های امروز، پر از تیرهایی از ماجراهای غم انگیز از جمله قتل، تجاوز به عنف و خشونت های بی رحمانه است. امروزه میزان آدم کشی و خودکشی سالانه در آمریکا، تقریباً به اندازه ی مجموع کشته شدگان آمریکایی در طول جنگ ویتنام است. تنها در سی سال گذشته، خودکشی و قتل، جان بیش از یک میلیون و دویست هزار آمریکایی یعنی بیش از تمام مردانی که در کل جنگ های تاریخی آمریکا کشته شده اند را گرفته است. آمار میلیونی زندانیان در کشورهای جهان از

پدیده‌های تأسف بار دیگر در قرن بیستم است.

۷- ستم علیه زنان

اگر در جاهلیت پیشین، به زن در محیط خانه ظلم می‌شد، امروزه زن مظلوم‌ترین قربانی سرمایه داری غرب و در عین حال برنده‌ترین سلاح در دست همین نظام سرمایه داری است و اگر دیروز، دختران پس از به دنیا آمدن، زنده به گور می‌شدند، امروزه با قانونی شدن سقط جنین در برخی کشورها هم پسران و هم دختران پیش از تولد زنده به گور می‌شوند. از آن جا که در منطق سرمایه داری هر آن چه که قابل ارزش گذاری مادی باشد ثروت تلقی می‌شود و قابل معامله کردن می‌باشد، منزلت زن در کشورهای غربی تا حد یک کالا پایین آورده شد و نیز در پرتو آموزه‌های لیبرالیستی، هرگونه رفتار جنسی، پوشش و مد مباح شمرده شد.

از سویی در واکنش به ظلم‌های گذشته نسبت به جنس زن و نیز به منظور استیفای حقوق زنان، جنبش‌های فمینیستی در غرب شکل گرفت که افراطی‌ترین آن‌ها، به جدایی کامل زنان از مردان و تأمین نیازهای جنسی زن توسط هم جنسان خویش قائلند. وضعیت زنان در کشورهای اسلامی نیز متأثر از جو حاکم بر جهان با معیارهای اسلامی و دینی فاصله دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«در آن زمان (آخرالزمان) جمعیت‌ها و دسته بندی‌ها زیاد

می‌شود تا این که زنان در مجالس همانند مردان سخن رانی می‌کنند.

همچنین مرد با زن خود در تجارت شریک می‌شود و شبیه می‌گردند

مردان به زنان و زنان به مردان و زنان بر زین‌ها سوار می‌شوند. پس

لعنت خدا بر ایشان باد» (۱)

محمد بن مسلم می گوید: به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ فرمودند:

«هنگامی که مردها خود را شبیه زنان و زنان خود را شبیه مردان کنند. آن گاه که مردان به مردان اکتفا کرده و زنان به زنان اکتفا کنند.» (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«قیامت بر پا نمی شود تا آن که زنی را در روز روشن و به طور آشکار گرفته و در وسط راه به او تعدی می کنند و هیچ کس این کار را نکوهش نمی کند.»

اگر کسی بگوید حضور زنان در اجتماع از دیرباز رایج بوده است و موضوع جدیدی نیست باید بگوئیم مادام دیافولا در سفرنامه‌ی خویش (که مربوط به سال ۱۸۸۱ میلادی یعنی حدود ۱۲۵ سال پیش است) راجع به حجاب زنان و غیرت مردان ایرانی می نویسد:

رسم حجاب زنان که آنان را موقع بیرون آمدن از خانه مجبور به پوشیدن چادر می کند به نحوی است که نباید حتی در منازل خویش در مقابل دید نامحرمان باشند. این مسأله مسلمانان را وادار کرده است که هر یک دو حیاط داشته باشند: یکی بیرونی و یکی اندرونی که البته باید از خود حیاط روشنایی بگیرد نه از کوچه و خیابان و بنابر این،

۱- نوائب الدهور ۱: ۱۸۱، تفسیر قمی: ۶۲۷.

۲- کمال الدین ۱: ۳۳۱.

عمارت اندرونی می‌بایست حداقل دارای وسعتی باشد که همسر یا دختران صاحب خانه محلّ تنفّس و تفرّجی در داخل خانه داشته باشند. (۱)

البته حضور چشمگیر و افسارگسیخته‌ی زنان در اجتماع اروپایی و غربی، اگرچه مولود آموزه‌های لیبرالیستی است؛ اما قدمتی کمتر از ۱۰۰ سال دارد و قبلاً هرگز حتی در کشورهای غربی، زنان این چنین وارد عرصه‌های اجتماعی نشده بودند. به راستی چه کسی خواهد توانست منزلت واقعی و کرامت انسانی زن را به او بازگرداند؟ بی‌تردید همان گونه که در صدر اسلام حضرت خاتم‌الانبیاء ﷺ شخصیت و جایگاه حقیقی زن را به او بازگرداند در این جاهلیت نیز جز وجود حضرت خاتم‌الاولیاء ﷺ کسی نخواهد توانست زن را به منزلت خویش و حقوق انسانی‌اش برساند.

۸- یأس، ناامیدی و پوچی

گفتیم از برخی زوایا، ظلمت جهان امروز بسیار غلیظ‌تر از جاهلیت پیشین است. در هیچ عصری از قرون و اعصار هم چون زمانه‌ی ما، گرایش به پوچی وجود نداشته است. به عبارت دیگر، پوچ‌گرایی از مختصات عصر جدید است. اگرچه در میان معدودی از گذشتگان، حس بدبینی به حیات و نالیدن از رنج‌ها و مرارت دنیا وجود داشت و منکران خدا و معاد در گوشه و کنار یافت می‌شدند؛ اما در عصر حاضر نه تنها بسیاری از اندیشمندان و متفکران غربی

هم چون ژان پل سارتر، آلبر کامو، کافکا و... ندای پوچی و ناامیدی سر داده‌اند که بسیاری از انسان‌های غربی، خود را هم چون غربی می‌پندارند که در میان امواج اقیانوس متلاطمی به نام زندگی گرفتار شده‌اند.

چندی پیش پاپ رهبر فقید کاتولیک‌های جهان، در اولین کتابی که از او به عنوان «عبور از آستانه امید» منتشر گردید به صراحت ناامیدی خود را از وضعیت اخلاقی و اعتقادی عصر حاضر به ویژه جوانان اظهار نمود. برتراند راسل در گفتاری به عنوان «جهان پر تلاطم» می‌نویسد:

«اینک در لحظه‌ای تاریک (ژوئیه ۱۹۶۱) به نوشتن مشغولم و نمی‌دانم نژاد بشر آن قدر دوام پیدا می‌کند که نوشته‌ی من منتشر و یا در صورت انتشار قرائت شود یا خیر؟»^(۱)

۹ - گسترش بلایای طبیعی

سال نمای جهانی به ما می‌گوید بین سال‌های ۱۰۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی تنها ۲۱ زمین لرزه‌ی عمده وجود داشته است. در قرن نوزدهم، ۱۸ زمین لرزه‌ی بزرگ به ثبت رسیده است. در نیمه‌ی نخست قرن بیستم ۳۳ زمین لرزه‌ی بزرگ به وقوع پیوست. از سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۱ میلادی، ۹۳ زمین لرزه‌ی بزرگ در جهان روی داد و ۳/۱ میلیون نفر را به کام مرگ فرستاد. بسیاری از دانشمندان هشدار

۱- برتراند راسل: آیا بشر آینده‌ای هم دارد؟ ترجمه‌ی م منصور: ۲۳۸.

می دهند که ما در حال حاضر به دوره‌ای از بلایای زمین لرزه‌ای وارد می شویم. در همین چند سال که از قرن بیست و یکم می گذرد چندین زمین لرزه‌ی بزرگ در ایران، پاکستان، ترکیه و... رخ داد و از سهمگین ترین این زمین لرزه‌ها که منجر به کشته شدن زیادی انسان شد واقعه‌ی سونامی در شرق آسیاست.

سوراخ شدن لایه‌ی ازن و در نتیجه افزایش احتمال ابتلا به سرطان پوست در بین انسان‌ها، فرسایش خاک و نابودی رو به تزاید جنگل‌ها، بر هم خوردن نظم طبیعت بر اثر مداخله‌ی انسان که حتی موجودات زنده‌ی غیر انسان را بی نصیب نگذاشته است، افزایش احتمال بروز طوفان‌های سهمگینی نظیر کاترینا و ریتا که بر اساس نظر کارشناسان به سبب افزایش گازهای گلخانه‌ای می باشد، احتمال آب شدن تمامی یخ‌های قطب تا ۸۰ سال دیگر براساس پیش بینی دانشمندان و موارد بسیاری از این قبیل، آینده‌ی حیات در کره‌ی زمین را برای بسیاری در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

«ظهور واقع نخواهد شد مگر موقعی که طوفانی بر پا شود و

مردم را به دریا بیفکند.» (۱)

و امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز می فرمایند:

«زلزله‌ها، گرفتن ماه و خورشید و طوفان‌های سهمگین از

نشانه‌های ظهور است هرگاه آن‌ها را دیدید متوجه بر پا شدن

ظهور باشید و به مساجد پناه ببرید» (۱)

و البتّه

در این زمانه نیز همانند زمان جاهلیّت، اسف بارترین جنبه‌ی زندگی بشر، دور ماندن از مقصد خلقت، غفلت از آفریدگار عالم و سرتافتن از بندگی خداوند متعال می‌باشد. مشرکین پیش از اسلام «هبل»، «لات» و «عزّی» را می‌پرستیدند؛ پس از رنسانس نیز «علم» و «صنعت» دو بت بشر جدید گردید و الهه‌های «لذّت» و «منفعت» تا هم‌اینک نیز معبود بسیاری از انسان‌ها در سراسر جهان گشته‌اند.

به شدّت می‌توان امیدوار بود که در این شب ظلمانی که «مِلَّتْ ظُلماً و جوراً» تحقّق یافته است به یک باره خورشید هدایت مهدوی طلوع نماید (همانند طلوع خورشید نبوّت محمدی ﷺ در ظلمات جاهلیّت نخستین) و انشاءالله به زودی «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً» محقّق گردد.

زیرا روی دیگر سکه آن است که بشر کم‌کم باید و دارد از خواب غفلت بیدار می‌شود. رفته رفته دوران جوانی، خامی، ماجراجویی و طغیانگری خویش را پشت سر گذاشته به فطرت الهی خویش باز می‌گردد؛ چرا که تجارب ارزشمندی در کوله بار خویش دارد. شاهد دو جنگ بزرگ جهانی در قرن بیستم و تبعات مرگبار آن و نیز نزاع‌های منطقه‌ای و قومی بوده است، به دنبال مدّعیان بسیاری دویده است، به هر دری زده است، کاملاً احساس خلأ و پایان یافتگی می‌کند. به هر

بی‌راه‌های به‌تصوّر راه صحیح سرکشیده است، هر لذّتی را چشیده است، از خور و خواب و خشم و شهوت ملول گشته است، از ایدئولوژی‌های جدید بیزاری می‌جوید، از انقلاب کردن گریزان گشته است، مدّعیان بی‌شمار و سردم‌داران مکاتب سیاسی، فلسفی و اجتماعی زیادی را تجربه کرده است که هر یک شعار نجات بشر و برقراری عدالت را سر داده‌اند و برای مدّتی سراب گونه، او را به دنبال خویش دوانیده‌اند؛ ولی سرانجام ناکام، تشنه و خسته‌تر از گذشته به حال خود رها ساخته‌اند. به یاد این روایت می‌افتیم که:

إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرَ الدَّوَلِ وَلَمْ يَتَّقِ أَهْلَ بَيْتِ لَهْمِ دَوْلَةَ الْآ
مَلِكُوا قَبْلَنَا لِيَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْ سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمِثْلِ
سيرة هؤلاء

«همانا دولت ما (اهل بیت علیهم السلام) آخرین دولت هاست و اهل هر صنف و طایفه‌ای پیش از ما به حکومت رسد و پادشاهی کند تا هنگامی که حکومت ما را دید و روش ما در زمامداری را مشاهده کرد نگوید ما هم اگر به حکومت رسیده بودیم این گونه عمل می‌کردیم و همین روش را اجرا می‌نمودیم.»^(۱)

امروزه بشر، خلأ وجود یک مربّی آسمانی را لمس می‌کند، در نهاد و خلوت خویش یک منجی فرازمینی را طلب می‌کند؛ زیرا آن چه امروز جامعه‌ی بشری را به این ورطه از انحراف و آشفتگی اجتماعی و این درجه از انحطاط اخلاقی و معنوی کشانده است فقدان یک معلّم و رهبر آسمانی است که نفوس بشری را تربیت کند و حرص و آز،

۱- ارشاد مفید: ۴۱۲، اعلام الوری: ۴۶۲ به نقل از کتاب شریف القطره.

طمع، خودبینی و خوی درندگی را از بشر بگیرد و او را به تربیت الهی
 پیوراند.

کلاس درسی را در نظر بگیرید که دانش‌آموزان بی انضباط و
 بازی‌گوش در آن فراوان‌اند، معلم هست؛ اما بر سر کلاس حاضر
 نیست. چه هرج و مرجی به راه خواهد افتاد؟ استاد اخلاق، معلم و
 هادی بشریت هم اکنون وجود دارد؛ اما غایب است و ظلمت حاکم بر
 جهان ناشی از غیبت اوست. غیبتی که مردم، خود باعث آن شده‌اند.
 انسان امروز توانسته است بر بسیاری از نیروهای طبیعت غلبه کند،
 علیه میکروب‌های کشنده آنتی بیوتیک‌های مؤثر بسازد، جاذبه‌ی
 زمین را مهار کند؛ اما نتوانسته بر نفسانیت خویش غالب شود در نتیجه
 میان تارهای حرص و آز و طمع که به گرد خویش تنیده است گرفتارتر
 از گذشته و دست و پا بسته‌تر از همیشه‌ی تاریخ گردیده است. به یاد
 اعتراف ویل دورانت در لذات فلسفه می‌افتم:

«مدینه‌ی فاضله تحقق یافته است ولی فقط در عالم خارج
 (ازما)... ما قدرت خود را صد برابر کرده‌ایم و بر بالای خود صدها
 ذراع افزوده‌ایم؛ ولی طرح‌ها و نقشه‌های ما به پستی و تنگی زمانی
 است که در جهل و آلودگی به سر می‌بردیم. ما از لحاظ روحی کوتاه
 قدانی هستیم در قالب‌های بسیار بزرگ. مدینه‌ی فاضله در همه جا
 آمده است به جز در روح انسان.»

پس از وقوع رنسانس در اروپا و آغاز زندگی غیر مذهبی در
 غرب، درست زمانی که اسب علم، چهار نعل می‌تاخت گروهی از
 اندیشمندان غربی با تکبر و ذوق زدگی اعلام کردند با هر گامی که علم
 به پیش می‌رود خداوند یک گام به عقب خواهد نشست؛ ولی در

طلیعه‌ی قرن بیست و یکم حادثه‌ای به نام «سونامی» در شرق آسیا و کاترینا و ریتا در آمریکا و خسارات چند صد میلیارد دلاری این طوفان‌ها کافی است تا بشر دست هایش را به علامت تسلیم در برابر آیات الهی و قدرت خداوندی بالا ببرد. بشر چاره‌ای جز بازگشت به دامن خداوند و اولیای او را ندارد. باید از گردن کشتی در برابر آفریدگار مهربان خود دست بکشد. دوران ستیز با خدا و دین را پایان یافته تلقی کند و به سان بیماری با حال وخیم، به دنبال طبیب حقیقی خویش برود و شفای خویش را در دستان مهربان او جست و جو کند.

شاید برخی خوانندگان این مطالب را سراسر احساسات و ذوقیات نویسنده بدانند؛ ولی واقعیت آن است که امروزه تمام جامعه‌ی بشری در کلیت خویش همچون پیکره‌ی بیماری است که به انواع و اقسام بیماری‌های صعب‌العلاج گرفتار شده است. در طول قرن‌های گذشته، طبیب نمایان بسیاری در لباس یک فرشته‌ی نجات با داعیه‌ی شفابخشی و اعجاز! با داروی دست ساخته‌ی خویش به مداوای این پیکر بیمار پرداختند. سردمداران مکاتب سیاسی، فلسفی، اجتماعی و اقتصادی با سوء استفاده از اشتیاق بشر برای دست یابی به مفاهیم چون آزادی، عدالت و برابری و... در قالب‌های لیبرالیسم، سوسیالیسم، فرویدیسم، فمینیسم و صدها ایسم و ایدئولوژی دیگر... ایده‌ی خویش را به پیکره‌ی بشریت تزریق کرده‌اند؛ اما نه تنها دردی از بشریت دوا نکرده‌اند که بر مشکلات وی افزوده و این پیکره‌ی بیمار را رنجورتر و خسته‌تر از گذشته به حال خود رها ساخته‌اند و امروز انسان، دردمندانه و مأیوسانه به دنبال طبیب حقیقی خویش و منجی موعود ادیان آسمانی می‌گردد. جالب است بدانید هم

اکنون ده‌ها میلیون نفر در قلب تمدن غرب یعنی آمریکا چشم انتظار منجی آخرالزمان نشسته‌اند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

ما یكونُ هذا الامرُ حتّٰی لا یبقی صِنْفٌ من الناسِ الا و
 قد وُلوا علی الناسِ حتّٰی لا یقولُ قائلٌ «انا نو وُلینا لعدلنا»
 ثمَّ یقومُ القائمُ بالحقِّ و العدل.

«امر قیام مهدی علیه السلام محقق نخواهد شد مگر این‌که تمام اصناف مردم به حکومت برسند تا بتوانند بگویند اگر حکومت به دست ما داده می‌شد عدالت و حق را اجرا می‌کردیم بعد از رسیدن همه‌ی طبقات حکومت، آن‌گاه مهدی ما علیه السلام ظاهر می‌شود و حق و عدالت را اجرا می‌کند.» (۱)

شاهد دیگر آن است که در سایه‌ی انقلاب الکترونیک و تکنولوژی ارتباطی و نیز ایجاد شبکه‌ی جهانی اینترنت از مدتی پیش، بحث دهکده‌ی جهانی و امکان تسلط یک حکومت واحد و یک حاکم واحد بر کره‌ی زمین و شکل‌گیری ابزارهای این حکومت واحد جهانی از قبیل بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل، شورای امنیت، پلیس بین‌الملل، دادگاه جهانی، جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ و فعالیت سازمان‌هایی همچون یونیسف و یونسکو و... برخی قدرت‌های جهان از جمله دولت آمریکا را به وسوسه انداخته و موجب گردیده است آن‌ها خود را کدخدای این دهکده و رهبر بلا منازع جهان بینند و لشکرکشی آن‌ها به نقاط مختلف جهان، محصول این اندیشه و مدّعی آن‌هاست. در مقابل، کثرت طرفداران صلح و

۱- غیبت نعمانی: ۲۷۴.

عدالت و تنفر از جنگ و خونریزی و تشکیل مجامع به اصطلاح نظارت بر حقوق بشر و خلع سلاح عمومی و... نشان می‌دهد که بشر به سوی پذیرش یک حکومت واحد جهانی در حرکت است و اما یک نکته‌ی مهم را فراموش نکنیم.

اگر سایر ادیان و مذاهب به صورت کلی و به نحو اجمال، پیروان خود را به آمدن منجی آخرالزمان بشارت داده‌اند؛ اما تنها و تنها ما شیعیان دوازده امامی هستیم که آدرس دقیقی از این منجی موعود در دست داریم. او را به نام خویش و نام اجداد طاهرینش می‌شناسیم. به علت غیبت آن «جان جانان» تا حدودی واقفیم. می‌دانیم چگونه باید زمینه‌ی ظهور او را فراهم کرد. به راستی شما می‌پندارید اگر روزی جهانیان بفهمند که شیعیان چه گنجینه‌ای در اختیار داشته‌اند؛ ولی در طول قرن‌ها نه تنها برای نجات خویش اقدامی نکرده‌اند که این گنجینه‌ی بی نظیر را به دیگران نیز معرفی نکرده‌اند در مورد ما چه قضاوتی خواهند کرد؟

نقشه‌ی گنج سعادت بشر در دستان شیعه است. سند رهایی انسان‌ها در اختیار شیعیان است. در روایات ما، بشارت‌های زیادی وجود دارد که حاکی از اقبال بسیاری از مردم جهان به دعوت امام عصر علیه السلام پس از ظهور ایشان است. فطرت‌های پاک و عدالت طلب جهان به جانب ایشان هجوم خواهند آورد و مردم همچون زنبورهای عسل که به ملکه‌ی خویش پناه می‌برند به آن حضرت پناه می‌آورند. مسیحیان و حتی خورشید و ستاره پرستان به آن حضرت ایمان خواهند آورد. باید به خود حرکتی بدهیم دیگران را نیز آگاه کنیم. اگر بخواهیم می‌توانیم در زمره‌ی سعادت‌مندان باشیم که رسول گرامی

اسلام ﷺ راجع به آنها فرمودند:

...طُوبَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ أَدْرَكُوا زَمَانَهُ وَ لَحِقُوا أَوَانَهُ وَ
شَهِدُوا آيَاتَهُ وَ لَا قُوا أَقْوَامَهُ.

«چه سعادت مندند افرادی که عصر پرشکوه حکومت او را درک و در دولت حقه‌اش زندگی می‌کنند و آن روزگار مبارک را می‌بینند و اصحاب باوفای آن سرور را ملاقات می‌کنند.»^(۱)

تک سوار عرصه‌ی توحید و عدالت در راه است. صدای گام‌های منجی آخرالزمان به گوش می‌رسد. عطر جان بخشی مشام جان عاشقان و منتظران راستین را نوازش می‌دهد. این هیجان و اضطرابی که امروزه در جوامع بشری سایه افکنده است و این ناملایمات و تلاطمات که در جای جای این کره‌ی خاکی دیده می‌شود امید به گشایش در کار انسان‌ها را در دل‌ها زنده کرده است. فطرت‌های پاک بشری، یعقوب وار بوی یوسف خویش را می‌شنوند.

﴿چون کاروان (از مصر) بیرون آمد پدرشان (یعقوب) گفت

من بوی یوسف را می‌یابم اگر مرا سبک عقل نخوانید.﴾^(۲)

آری! روزگاری جهل، حسادت، غرور و تنگ نظری باعث شد برادران یوسف با کمال غرور و نخوت، او را مظلومانه در چاه تاریکی بیفکنند؛ اما وقتی قحطی و خشک سالی بر شام و فلسطین و سرزمین کنعان سایه گسترد به ناچار راه مصر در پیش گرفته و تقاضای خود را این‌گونه عرضه داشتند:

﴿ای عزیز! ما و خاندانمان به قحطی و مضیقه‌ی سختی دچار

۲- سوره‌ی یوسف: ۹۵.

۱- روزگار رهایی: ۴۵۲.

شده‌ایم. (متأسفانه از شدت گرفتاری و سختی زندگی نتوانسته‌ایم کالای قابل ملاحظه‌ای تهیه کنیم و) بضاعت ناچیزی پیش روی تو آوردیم. تنها امیدمان به لطف و بزرگواری توست و امیدواریم تو درباره‌ی ما گرم فرموده و به بضاعت ناچیز ما نگاه نکنی و پیمانهای ما را کامل کنی. ای عزیز! این امید را مبدل به ناامیدی نکن و همان‌طور که امیدواریم پیمانهای ما را کامل گردان و به ما احسان فرما که خداوند بزرگ احسان کنندگان را پاداش نیکو دهد. ﴿۱﴾

بیش از هزار سال است خشک سالی معنوی و قحطی عدالت، بشریت را خسته کرده است. آیا وقت آن نرسیده است که ما و همه‌ی جهانیان، پشیمان از غفلت و کرده‌های خویش به آستان مقدس یوسف زهرای اطهر علیها السلام و پناه همه‌ی بی پناهان جهان حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام پناه ببریم و همچون برادران خطاکار یوسف خاضعانه عرضه بداریم:

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ
مُرْجِيَةٍ فَأَرْزُقْنَا لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي
الْمُتَّصِدِّقِينَ﴾

فهرست عناوین

| | |
|----|---|
| ۷ | فصل اوّل |
| ۷ | ظهور آفاقی، ظهور انفسی |
| ۲۱ | فصل دوّم |
| ۲۱ | «تسلیم» |
| ۲۱ | کلید نجات |
| ۳۷ | ۱. پیروان مذاهب باطل |
| ۳۸ | ۲. حاکمان کشورهای اسلامی |
| ۴۰ | ۳. عالمان سوء و فقیهان منحرف |
| ۴۱ | ۴. مدعیان تشیع |
| ۵۱ | فصل سوّم |
| ۵۱ | بعثتی دوباره |
| ۵۵ | ۱- افزایش جنگ‌ها |
| ۵۷ | ۲- ظلم جهانی |
| ۵۹ | ۳- فقر و گرسنگی |
| ۶۰ | ۴- شیوع بیماری‌های مهلک |
| ۶۳ | ۵- رواج بی‌بندوباری و فروپاشی خانواده |
| ۶۴ | ۶- خشونت |
| ۶۵ | ۷- ستم علیه زنان |
| ۶۷ | ۸- یأس، ناامیدی و پوچی |
| ۶۸ | ۹- گسترش بلایای طبیعی |
| ۷۰ | و البتّه |